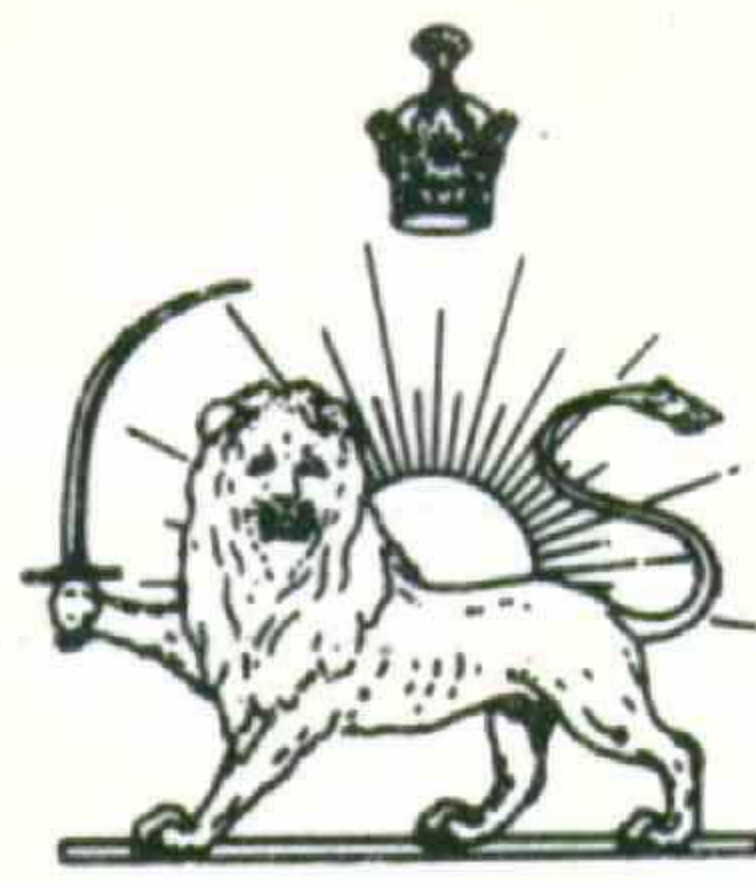


۱۹۰
۷۳۷۶۷
صورت مشروح

مذاکرات مجلس سنا



مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۲۸۵



مذاکرات مجلس سنا

عین مذاکرات یکم و دومین جلسه از دوره دوم تقنینیه مجلس سنا (دوره هفتم اجلاس سیه)

صورت مشروح مذاکرات مجلس سناروز شنبه بیست و هشتم مهرماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب :

صفحه

- | | |
|----|--|
| ۲ | ۱- تصویب صورت مجلس |
| ۲ | ۲- بیانات قبل از دستور آقایان خواجه نوری - نبیل سمیعی |
| • | ۳- بقیه شور اول اساسنامه شرکت شیلات و ماهیان غضروفی |
| ۳۰ | ۴- موقع ود دستور جلسه بعد ، ختم جلسه |
| ۳۰ | ۵- تقاضای آقای وزیربهداری راجع بارجاع لایحه پرستاران بکمسیون |



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مجلس ساعت نه و نیم صبح بریاست آقای تقی زاده تشکیل شد

آقایان وزرای کشاورزی - بهداری و آقای انواری معاون وزارت دارائی و آقای ذوالفقاری معاون پارلمانی در جلسه حضور داشتند .

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس- صورت مشروح مذاکرات جلسه چهارشنبه ۲۵ مهرماه طبع و توزیع شده اگر نظری هست خواهند فرمود . ظاهراً نظری نیست ، تصویب میشود . اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل قرائت میشود . (بشرح زیر قرائت شد .)

غایبین با اجازه آقایان : والاتبار- لسانی - امیرسلیمانی - دکتر امیراعلم - عباس مسعودی بوشهری - دکتر صدیق اعظم .

غایبین بی اجازه آقایان : سید محمد صادق طباطبائی - تیمسار جهانبانی - علیقلی هدایت .

۲- بیانات قبل از دستور آقایان خواجه نوری - نبیل سمیع

رئیس- بعضی از آقایان برای نطق قبل از دستور اسم نویسی کرده اند اولی آقای خواجه نوری هستند ، بفرمائید .

خواجه نوری - بنده و امثال بنده بان دولت فعلی يك اختلاف نظر کلی داریم و هر وقت اختلاف


نظری مورد بحث قرار میگیرد بنده بی اختیار بیاد گرفته حکیمانہ سقراط می افتم این عبارت عجیب و عظیم او را همه شنیده اید و اگر روزی صد بار در این قبیل محافل تکرار شود باز زیاد نیست میگوید " منظور این نیست که عقیده من یا تو بکس نشانده شود منظور اینست که در نتیجه بحث و جدال ما حقیقت آشکار گردد "

اختلاف نظر کلی که فعلاً بین رویه دولت و امثال بنده وجود دارد یکی از همین موارد است که بنده بدون تعصب و لجاج فقط باتکای استدلال منطقی موضوع را عرضه میدارم و باکمال رغبت مستعد شنیدن استدلال مخالف و پذیرفتن مطالب منطقی و اصلاح عقاید خود هستم . ولی موضوع بقدری مهم است که نتیجه چگونگی این استدلال ممکن است از یکطرف موجب توفیق یا شکست قطعی این سیستم سیاستمداری گردد و از طرف دیگر وجدی راد تاریخ سیاسی ایران و تحولات منتظره برگرداند . مبنای اختلاف نظر اینست که بعقیده بنده دولت فعلی که چشمش از هرج و مرج و آشوب سخت ترسیده و حقاً معتقد است به اینکه بدون استقرار امنیت هیچگونه اصلاح و پیشرفت اساسی امکان پذیر نیست میخواهد امنیت را ((بهر قیمت است)) برقرار نموده و نگه دارد تا اینجا بنده هم با این نظر موافقم و یقیناً تمام شما شیخ قوم نیز باین اصل اصولاً معتقدید فقط دو نکته در اینجا هست ، دو نکته بسیار مهم که بعقیده بنده عدم رعایت آن نه تنها مانع انجام مقصود میشود بلکه بقدری اساسی و دارای اهمیت است که اگر ادامه پیدا کند در مقابل تمام تلاشها و حسن نیتها و آرزوی اصلاحاتی که دولت علاء و الهام دهندگانش ابراز میدارند نقش بر آب خواهد شد و نتیجه ای درست معکوس خواهد بخشید . نکته اول تفاوت تعبیری است که ظاهراً در مفهوم کلمه امنیت بین امثال بنده و دولت وجود دارد آنچه ما از امنیت استنباط میکنیم گویا غیر از آنست که ما موران معتقدند . بعقیده بنده و امثال بنده امنیت از

عدالت جدا نیست و حتی يك جزء كو چك از آنست یعنی ماكه طرفدار امنیت باینجهت آنرا خوب و لازم می‌شماریم كه از ظلم و اجحاف بريك طبقه از مردم آشوبگر و جنجال طلب جلوگیری می‌نماید و نمیگذارد مثلاً يك چاقو كشر یا اخلا لگري با ارباب و ایجاد وحشت بكسی زور بگوید و حق را تضییع نماید و مسلماً این خود اجرای يك جزء كوچكى از عدالت است ولی همه میدانیم كه اعمال زور و ظلم و تضییع حق دیگران منحصر بچاقو كشی و اخلا لگري نیست ، هزار وسیله اعمال زور و ظلم دیگر هست كه بمراتب برای يك جامعه مهلك تر و خطرناكتر و مضمحل‌كننده تر است كه در ردیف اول آنها باید ظلم و جور و قانون شکنی و وظیفه نشناسی بعضی از اعمال ناصالح دولت را كه در واقع وكيل مع الواسطه ملتند بشمار آورد . در این ترهید نیست كه اگر قاتل یا دزدی بلباس پاسبان با ژاندارم یا هر كس دیگری كه مسؤل سرنوشت مردم است در آید خطر و ضررش هزار بار بیشتر از صد ها چاقو كشر باج بگیر است با اینکه این موضوع مسلم و غیر قابل تردید است معذلك بنظر ننده دولت فعلی در هیجان حسن نیتی كه برای استقرار امنیت دارد این نكته مسلم را فراموش كرده و ایجاد امنیت را منحصرأ سر كوسی اخلا لگران و آشوب طلبان می‌پندارد . بهمین جهت هم هست كه می‌خواهد این نوع امنیت را ((بهر قیمتی)) مستقر كند . در اینجا ست كه نكته مهم دوم پیش می‌آید و آن نكته عبارت از این است كه برقراری امنیت گرچه البته خوب و مفید است ولی شرط حتمی اینست كه بقیمت تضعیف دستگاه عدالت باشد و الا حتماً بد و مضر و خطرناك خواهد شد زیرا امنیت كه خود شجزئی از عدالت است برای اینکه خوب و مفید واقع شود مسلماً باید بتقویت و توسعه خود عدالت كمك كند نه اینکه بعكس تجاوز بقلمرو دستگاه عدلیه نماید و حتی وظایف آنرا غصب كند و آن را فلج كند . متأسفانه رویه دولت ولوایحی كه اخیراً تنظیم و تقدیم كرده نشان میدهد علی‌رغم حسن نیتی كه دارند نكات بسیار مهم مذکور ایداً ^{در دولت مجربان نامناسب بسیاری است (تدریس طلحی بهر قیمت)} مورد نظر نیست و بنا بر این بیم آن میرود كه این ((امنیت خواهی بهر قیمتی)) گردد كه البته نتیجاش بسیار خطرناك خواهد بود و بحكم منطبق مسلم علم الاجتماع چنانكه مكررد رهوای متلون ایران دیده شده اعمال این رویه بالاخره چنان طوفانی برپا خواهد كرد كه اثری نه از امنیت باقی خواهد گذاشت نه از امنیت خواهان و حال آنكه استقرار امنیت بطریق معقول و موكراسی یعنی بطوریکه این خطرات راهم در پس نداشته باشد در وضع فعلی كارد شواری نیست و بهیچوجه احتیاجی باین قبیل سختگیری ها احساس نمیشود . خلاصه چون سخن را روی با صاحب‌دلان است فعلاً بهمین اشاره سر بسته اکتفا می‌كنم و در خاتمه عرایض اضافه مینمایم كه بنده با اینکه از اول مخالف این دولت بودم و ام و هنوز هم در مخالفت باقی هستم معذلك چون طبیعتاً خوشبین و هنوز بحسن نیست گردانندگان این اوضاع امید دارم معتقدم باینكه وضع فعلی یکی از مناسبترین و بهترین فرصتها را برای كار خوب كردن بدست هیأت حاكمه میدهد بطوریکه همین دولت هم با كمی واقع بینی میتواند فرصت را غنیمت شمارد و خدمات مفیدی نائل گردد و چون در سنا ما غرض خصوصی در امور سیاسی با هیچكس نداریم بمحض اینکه علائم واقع بینی را در رویه دولت مشاهده كنیم حتی بنده مخالف هم مثل موافقین دو آتشفشان بدنبال علم علاء سینه خواهیم زد و اولین علامت این واقع بینی امید بخیر اینست كه تعدیل در سخت گیریهای نسبت بقلم و زبان روان دارند چون چنانكه حكما گفته اند (ضعیف هراسناك

از منقد میترسد نه قوی مطمئن) مطلبی که مکرر آقایان شنیده‌اند و تقریباً هر روز یکبار جلسه داریم و چارتر هستیم اینست جراید از ترس گله مندی و سخت‌گیریهای دولت نطق‌های مؤثر نمایندگان را درج نمیکنند (دیوانبگی - از ترس شدت عمل) خوب بنده چون رویه ام اینست که در رعایت نزاکت و ادب ملانقطی هستم آنطور عرض میکنم و البته جراید اگر بتوانند از گله نمیترسند بنده و بعضی از آقایان از قبیل جناب آقای جمال امامی و جناب آقای نیکپور و جناب آقای دشتی و دیگران این مطلب را فرمودند تعجب میکنم که چرا مقام ریاست یک تصمیم خیلی شدیدی در این باره اتخاذ نمیفرمایند بطوریکه همه میدانند آنچه در اینجا گفته میشود تماماً متعلق بملت ایران و مربوط به ایرانست و باید حتماً مردم مستحضر بشوند یعنی یکی از وظایف قطعاً ما است که حقایق را با اطلاع مردم برسانیم بنده میخواهم اگر آقایان موافق باشند از مقام ریاست تقاضا نمائیم که در اینکار اقدام مؤثری بفرمایند (دیوانبگی - موافقم آقا) .

رئیس - چون اشاره به بنده فرمودید بنده با اینها راضی نیستم روز اول هم گفتم ما باید مصمم بشویم و بهیچوجه نه اجازه میدهیم نه تحمل میکنیم که نطق سناتورها را از خارج کسی تلفن بکند که مانع بشود نشر بشود این نباید بشود ولی جانب‌عالی در آن یک نکته تجدید نظر بفرمائید فرمودید (بهر قیمت) البته انضباط خوب است ولی نه بهر قیمتی حالا آقای نیپیل سمیع بفرمایند .

نیپیل سمیع - بنده هفته قبل یک سؤال  راجع بمعامله خاویار از دولت کردم که هنوز شاید موقعش نرسیده که جوابی بدهند ولی آنچه که اطلاع پیدا کردم در جریان این سؤال این کارهایی که نمیبایستی انجام بشود در شرکت شیلات صورت عمل گرفته و در شرف انجام است و چون اطلاع دارم که این معاملات ممکن است بزیان دولت باشد این بود که بنمایند دولت که اینجا نشسته اند تذکر میدهم که لااقل تا موقعی که آقای وزیر دارائی پاسخ سؤال بنده را خواهند داد و این موضوع روشن خواهد شد اوضاع این معاملات که بزیان دولت است جلوگیری بکنند (بعضی از نمایندگان - بزیان مردم است) بله بالمال زیان دولت زیان مردم خواهد بود (مهندس شریف امامی - خاویار فاسد میشود) اما آنچه که نمیفرمایند که خاویار فاسد میشود خاویار فاسد شدنی نیست مگر اینکه در هوای آزاد بگذارند و در غیر این صورت بسیار مطبوع است . عرض کنم تا چندی پیش مسافرتی بگیلان کردم خوب البته چون خودم اهل گیلان هستم و نماینده گیلان هم هستم مراجعاتی به بنده کردند و تذکراتی به بنده دادند وقتی که برگشتم به طهران مجلس سنا تعطیل بود موقعی بود که نتوانستم مستدعیات و مطالبی که آنجا اهالی و مردم بمن گفتند با اطلاع آقایان برسانم ناچار طی یک نامه بسیار مشروح و مفصلی خدمت آقای نخست وزیر عرض کردم که آن مطالب را در آنجا مطرح بفرمایند که شاید کم و بیش بعرض آقایان رسیده باشد آقای نخست وزیر هم پس از قرائت معروضه بنده یک دستور خیلی مؤکدی به آقایان وزراء در هر قسمتی که مربوط بود در آن نامه اشاره شده بود فرمودند که تعقیب بکنند و اقدام بکنند متأسفانه در این مدت که . . . روز است هیچ اثری از دستور آقای نخست وزیر مشاهده نشده (سزاوار - دیر نشده) یا آقایان وزراء فرصت و مجال این کار را نداشته و یا

دستور دستوری بوده که خوانده اند (جمال امامی - بنویسید که دستور نخست وزیر را بخوانند) این دیگر مربوط به آقایان است بله در این مدت نامه ها و تلگرافات زیادی به بنده و همکاران رسیده و حتی رونوشت به دربار و جاهای دیگر هم رسیده است که من دیگر خجالت میکشم بگویم که دستورات انجام نشده است بنظر رسید که این تلگرافات و این نامه ها و حتی آن عریضه ای که بجناب آقای نخست وزیر نوشتم و جوابی که ایشان فرمودند تقدیرم مقام ریاست نمایم و از ایشان استمداد بکنم که دستور مؤکدی بفرمایند یا ترتیبی بدهند که باین شکایات رسیدگی سریعتری بشود.

۲- بقیه شور اول لایحه اساسنامه شرکت شیلات و ماهیان غضروفی

رئیس - لوائیحی که امروز داریم لایحه اساسنامه شرکت سهامی شیلات لایحه تفریح بود چه مجلس و لایحه اساسنامه بانک کشاورزی ایران و لایحه استخدام پرستاران است. موضوع راجع به رأی کمیسیون نسبت با آقای ظهیرالاسلام هم در دستور هست یعنی از دستور خارج نشده فقط آقایان تقاضا کرده اند که برای تجدید نظر بکمیسیون مراجعه شود و شده و کمیسیون همان رای اول را تأیید کردند و میشود گفت که امروز میشود مطرح کرد حالا بسته بنظر آقایان است که ابتدا او را مقدم بداریم.



مسعودی - لوائیح را مقدم بفرمائید

نمایندگان - لوائیح مقدم باشد

سرلشگر فیروز - نماینده دولت حاضر هست؟

رئیس - بله نماینده دولت هست، پس لایحه اساسنامه شرکت شیلات و انحصار صید ماهیان غضروفی مطرح است شور اول است بحث در کلیات بود و موافق و مخالف صحبت میکردند آخر جلسه گذشته بنده بودم بحث در کلیات شده است حالا اگر آقایان باز نظری دارند بفرمایند ظاهراً دیگر نظری در کلیات نیست وارد در مواد میشود رأی میگیریم بمرور در شور مواد آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد.)

شرکت سهامی شیلات ایران که در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ تأسیس شده است وظایف و عملیات خود را برطبق مقررات این اساسنامه انجام خواهد داد.

رئیس - ظاهراً نظری نیست تصویب میشود ماده دوم قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲ - سرمایه شرکت هشتاد میلیون ریال است که به هشت هزار سهم ده هزار ریالی تقسیم میشود بهای کلیه سهام مزبور از طرف دولت پرداخت شده مرکز اصلی شرکت در طهران است و در صورت لزوم شرکت میتواند در داخله و خارجه با تصویب مجمع عمومی شعبه ویانمایندگی ایجاد نماید مدت شرکت نامحدود است.

رئیس - آقای نیکپور بفرمائید.

نیکپور - سرمایه شرکت را در این اساسنامه هشت میلیون تومان تشخیص داده اند و برآورد کردند در حالتی که بنظر بنده سرمایه شرکت ارزشش خیلی بیش از این مبلغ خواهد بود و این مبلغ ناچیز

بهیچوجه من الوجوه متناسب با چنین شرکتی نیست و گرچه در اینجا ممکن است گفته شود که چون صاحب سهم دیگری وجود ندارد و در این شرکت صد درصد سهام متعلق بدولت است چه فرق میکند که سرمایه کم باشد یا زیاد ولی این استدلال بنظر بنده صحیح نیست برای اینکه ارزش فعالیت یک شرکتی بعوامل مختلفی است که یکی از آن عوامل مبلغ سرمایه شرکت است که آنچه شرکت میتواند تحصیل اعتبار کند بواسطه مبلغ سرمایه اثر می باشد و از طرفی آنچه در آخر سال میتوانند هیأت مدیره و مسئولین کار در بیان خودشان انتفاعی نشان بدهند باید متناسب با سرمایه شرکت باشد و آنچه باید استهلاك شود از مبلغ سرمایه شرکت و از دارایی شرکت استهلاك خواهد شد بنابراین اگر فرض بکنیم یک شرکت هشت میلیون تومانی برای امر باین اهمیت در آخر سال بیان بدهد و ارزش منافی که نشان بدهد یک مبالغ هنگفتی نشان بدهد یا برعکس یک مبلغ ناچیزی نشان بدهد چون موضوع عمل این شرکت عمل بهره برداری است ارتباط دارد بمیزان صید و میزانی که میتواند صید بکند و یا راستخارج بکند در بازارهای بین المللی بفروش برساند بنابراین در طرز استهلاك شرکت که برای انجام این منظور لازم است فوق العاده تأثیر سزائی دارد بنابراین بنده پیشنهادی در این باب تقدیم خواهم کرد که در کمیسیون مورد تجدید نظر قرار گیرد و دولت هم مطالعاتی در این باب بکند که ارزش واقعی این شرکت را در اساسنامه معین بکند که در تاریخ امروز این دارائی چقدر می باشد و شرکت با چه سرمایه ای میبایستی میزان سرمایه خود شررا معین بکند. بنابراین چون این لایحه برای شورای اول در مجلس مطرح است و می رود برای شور دوم بکمیسیون بنده در این باب پیشنهادی تقدیم خواهم کرد که راجع بمبلغ سرمایه یعنی میزان آن دولت صورتی تهیه کند و بیاورد و میزان سرمایه بمبلغ واقعی دارائی شرکت در اساسنامه قید بشود.

رئیس - ظاهراً یک ماده ۲۲ نظری نیست. ماده ۳ قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد.)

فصل دوم - موضوع شرکت

ماده ۳ - موضوع و حدود عملیات شرکت بشرح زیر است

الف - صید ماهی در دریای خزر و کلیه رودخانه های دریای مذکور و مردابهای شمال و ایجاد کارخانجات و تهیه محصولات ماهی و اداره اموال شرکت و حفظ و ازدیاد نسل ماهی و انجام امور بازرگانی و معاملات مربوط بصنعت ماهی در داخله و خارجه و اقدام بهرگونه عملیاتی که برای اجرای هدفهای شرکت ضروری و متناسب باشد.

ب - صید و تهیه محصولات و معاملات ماهی غضرونی و خاویار در انحصار شرکت شیلات ایران میباشد و خرید و فروش و نگاهداری و صدور آن بدون اجازه شرکت طبق ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ و اصلاحات مصوب ۱۴ خرداد ۱۳۱۹ قابل تعقیب خواهد بود.

ج - کلیه صیادان آزاد مکلف هستند در صورت صید ماهی غضرونی آنرا بشرکت سهامی شیلات تحویل داده بهای آنرا برخی که هر ساله از طرف شرکت تعیین میگردد نقداد ریافت نمایند. صید

سایر انواع ماهی در نقاط مذکور رفوق هرگاه برای مصرف شخصی نبوده و بمنظور بهره برداری باشد منوط با اجازه کتبی شرکت سهامی شیلات خواهد بود و شرکت میتواند صید ماهی را در هر یک از رودخانه های مذکور یا در نظر گرفتن شرایط فنی از طریق مزایده با جاره واگذار نماید .

د - شرکت سهامی شیلات ایران میتواند برای تکثیر انواع ماهی در بعضی از فصول قسمتی از دریای مازندران یا دریای خزر یا رودخانه ها را از نظر صید جزء مناطق ممنوعه اعلام نماید در اینصورت هرگونه صید در مناطق ممنوعه که از طرف شرکت آگهی شده باشد جرم محسوب و متخلفین بسماه تایکسال حبس تا دویی محکوم خواهند شد گزارش ضابطین دادگستری یا مامورین صلاحیتدار - شرکت سهامی شیلات ملاک تعقیب خواهد بود .

رئیس - آقای مهدوی فرمایشی دارند

مهدوی - عرض بنده در قسمت د ماده ۳ است خلاصه این قسمت و ماده ۳ اینست که

شرکت سهامی شیلات میتواند از نظر تکثیر و حفظ انواع ماهی در بعضی از فصول سال بعضی از رودخانه ها و یامردابها را از لحاظ صید ماهی مناطق ممنوعه اعلام کند در صورتیکه کسی در آن قسمت اقدام کند مجرم محسوب میشود و از سه ماه تا یکسال ممکن است محکوم بحبس شود اینجا بنده مخصوصاً از جناب آقای وارسته و جناب آقای مجد که هر دو مثل همه آقایان دیگر علاقه مخصوص دارند بمنافع عمومی خواهش میکنم توجه بفرمایند کسانی که در این قسمتها اقدام بصید ماهی میکنند و نوع اند یک عدد خواهند بود که با تور و وسایل دیگر میروند از لحاظ بهره برداری صید ماهی در مناطق ممنوعه میکنند و ممکن است ضرر بآن منظور که حفظ انواع ماهی باشد بزند چون ممکن است با تور و وسایلی که دارند ماهیها را صید میکنند صد تا هزار تا ده هزار صد می باشد بزند البته بنده نسبت باینها این حبس تا دویی را زیاد نمیدانم ولی یکنوع دیگر هم هست که آنرا در نظر بگیرید مثلاً ممکن است کسانی از طهران و سایر نقاط ایران مرخصی دارند و میروند بطرف شمال و سواحل بحر خزر و آنجا مثلاً میخواهند مرخصی خودشان را بگذرانند و راحت باشند اینها خیلی مسبق با احوال آنجا نیستند ممکن است که بایک قلاب جوانی که روح اسپرتی هم دارد برود و عرق هم بریزد دلش را خوش میکند که ماهی بگیرد بایک - قلاب یک ماهی میگیرد آنوقت این را می برند و حبس میکنند از ۳ ماه تا یکسال البته این مدت حبس برای نوع دوم از متخلفین خیلی زیاد است زیرا فرض بفرمائید که یک کسی که یک ماهی بگیرد محکوم بسه ماه حبس بشود کسانی که مبادرت بانواع قاچاق بزرگ میکنند از قبیل صندوقهای چای یا تریاک و غیره برای آنها دیگر چه جرمی میتوان قائل شد اینست که حالا شوروم بکمسیون میروند و بنده در آن کمسیون عضو هستم پیشنهادی دارم که بعرض خواهم رساند در قسمت این نوع اشخاصی که برای تفریح میروند و ندانسته با قلاب ممکن است بنشینند چندین ساعت توی آفتاب تا یک ماهی بگیرند یا نگیرند این را ممکن است بجریمه نقدی تبدیل کنیم مثلاً اگر کسی قاچاق تریاک میکند او را سه مقابل قیمت تریاک جریمه نقدی میکنند در این مورد هم سه مقابل قیمت ماهی جریمه میکنند و نبایستی مجازات کسی که رفته در کنار بحر خزر برای تفریح و گردش و برای مرخصی سر از زندان در بیاورد .

رئیس - آقای مجد بفرمائید

مخبر کمسیون - عرض کنم در قسمت فرمایشی که جناب آقای نیکپور فرمودند چون پیشنهادی

داده اند بنده میخواستم توضیحی عرض کنم این مسأله هشت میلیون تومان روی یک حسابی بوده است در سال ۱۳۳۱ که کار کمپانی خاتمه پیدا کرد چون مطابق قرارداد گذشته سرمایه نصف مال دولت شوروی بود و نصف مال دولت ایران، دولت ایران بهای آن ۴ میلیون تومان را و باینجهت سرمایه را ۸ میلیون تومان نوشته اند در قسمت فرمایشات جناب آقای مهدوی در اینجا منظور از جلوگیری از صید آن صید های بزرگ است وقتی تور می اندازند خود آقا میدانند که یک کیلومتر تا یک کیلومتر و نیم طول تور است در آنجا مخصوصاً نوشته شده است والا کسی که بیرون برای تفریح (مؤید ثابتی - در لایحه اندازه اشرم عین نیست) چرا نوشته شده است در ماده ۳ قسمت ج ذکر شده که (کلیه صیادان آزاد مکلف هستند در صورت صید ماهی غضروفی آنرا بشرکت سهامی شیلات تحویل داده بهای آنرا بنرخه که هر ساله از طرف شرکت تعیین میگردد نقداً دریافت دارند صید سایر انواع ماهی در نقاط مذکور در فوق هرگاه برای مصرف شخصی نبوده و بمنظور بهره برداری باشد منوط با اجازه کتبی است) اینطور صید ها که کسی میرود قلاب و تور می اندازد چه در جاهائی که ممنوع است و چه در جاهائی که آزاد باشد بهیچوجه مجازاتی ندارد و برای مصارف شخصی آزاد است.

رئیس - آقای نیکپور فرمائید

نیکپور - اول خواستم راجع بموضوع سرمایه که جناب آقای مجد مخبر محترم کمیسیون توضیح

فرمودند عرض میکنم که بنده متوجه بودم که منشأ تعیین هشت میلیون تومان سرمایه چه بوده ولی منظورم اینست که امروز ارزش دارائی شرکت شیلات خیلی بیشتر از اینها است که اینقدر سرمایه برایش نوشته شده است. بنا بر این امروز که ما قانون میگذرانیم و مینویسیم که سرمایه اش ۸ میلیون تومان است و برای ما محرز باشد که واقعاً ۸ میلیون تومان است بگوئیم ۸ میلیون تومان اما اینکه اگر عقیده ما باین باشد که سرمایه فعلی بیشتر از این مبلغ است باید تمام سرمایه را در نظر گرفت چون میزان واقعی و حقیقی سرمایه برای تنظیم و استهلاک سرمایه خیلی تأثیر دارد و از نقطه نظر حسابداری هم بی تأثیر نیست. اما عرض بنده فعلاً راجع بماده ۳ است که الان مطرح است از فصل دوم. اولاً بنده میل داشتم که معاون محترم وزارت دارائی در این باب توضیح بدهند که این شرکت شیلات - جنوب هم هست و با ژاپونیهایی قرارداد هائی دارند و با آنها یک معاملات کرده اند و مشغول صید هستند در چه وضعیتی میباشد؟ چون ما در این اساسنامه مینویسیم (شرکت سهامی شیلات ایران) صحبت شمال و جنوب در کار نیست و این اساسنامه متعلق بشرکت سهامی شیلات ایران است و در جراید خوانده میشود یک شرکت دیگری هم با اسم شرکت سهامی شیلات جنوب ایران تشکیل شده (دیوان بیگی - سازمان برنامه جزو ایران نیست از قرار معلوم). بنده میل داشتم که آقای معاون وزارت دارائی این مطلب را روشن بکنند که اگر این قانون و این اساسنامه که حالا ما داریم تصویب میکنیم که اسمش شرکت سهامی شیلات ایران است دیگر آنوقت شیلات جنوب ایران یعنی

چه؟ اگر یک شرکت تشکیل میشود دیگر شرق و غرب و شمال و جنوب ندارد پس اگر قراردادی با ژاپنیها هست باید در این شرکت متمرکز باشد که یک دستگاه علیحده ای نباشد.

این موضوعی بود که میخواستم آقای معاون وزارت محترم دارائی توضیح بدهند که این شرکت جنوب شیلات و این قراروندار با ژاپنیها چیست؟ چون علی الظاهر آنچه که ملاحظه میفرمائید از این اساسنامه شرکتی است که در بندر پهلوی است و قبلاً در اجاره شورویها بوده در ۲۵ سال و حالا بتصرف ما درآمده و آمده اند انحصار رودخانه هارا که خود دولت آزادانه اجاره میداد و عمل میکرد ضمیمه این شرکت کرده اند و لازم می آید که این فکر مورد توجه قرار بگیرد که آیا حقیقتاً منظور دولت اینست که کلیه شیلات

ایران اعم از رودخانه و دریا و هرچجا در یک دستگاه متمرکز باشد اگر اینطور باشد دیگر معنی ندارد که گفته شود شیلات شمال یا جنوب ولی اگر منظور اینست که -

شمال را جدا کنیم و این شرکت یک دستگاه علیحده باشد و آن دستگاه

جنوب هم علیحده دیگر شرکت سهامی شیلات ایران معنی ندارد چون این مربوط باین ماده بود خواستم خاطر آقایان را مستحضریکنم و منتظر توضیحات آقای معاون وزارت محترم دارائی هستم.

امادراین ماده دوسه مطلب بنظرینده رسیده که بسیار جای توجه است و چون حالا شور اول است انتظار دارم در شور دوم این پیشنهادات و این نظریات مورد توجه کمیسیون

قرار بگیرد اینجا در بند الف نوشته شده است (سید ماهی در دریای خزر و کلیه رودخانه های دریای مذکور و مره ابهای شمال و ایجاد کارخانجات و تهیه محصولات ماهی و اداره اموال شرکت و حفظ و ازدیاد نسل ماهی و انجام امور

بازرگانی و معاملات مربوط بصنعت ماهی در داخله و خارجه و اقدام بهرگونه عملیاتی که برای اجرای هدفهای شرکت ضروری و مناسب باشد) این قسمت الف در این ماده کاملاً

میرساند که موضوع عمل شرکت فقط برای شمال است آنوقت متناقض با آن اعم است (نبیصل سمیع - تناقض ندارد) چرا اگر مستحضر باشید اساساً وقتی که یک شرکت سهامی را ثبت میدید باید موضوع واحد و عملیاتش را معین بکنند وقتی نوشتند منحصر بشمال است باید بنویسند شمال ایران که آن دیگری جنوب ایران مستثنی باشد اما در قسمت ب مینویسد (تهیه و تهیه محصولات و معاملات ماهی غرضوفی و خاویار و انحصار شرکت شیلات ایران میباشند و خرید و فروش و نگاهداری و صدور و ران بدون اجازه شرکت طبق ماده یک قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ و اصلاحات مصوب ۱۴ خرداد ۱۳۱۹ قابل تعقیب خواهد بود

این حق که حالا ما الان بعنوان انحصار باین شرکت واگذار میکنیم و رودخانه های کرانه های بحر خزر را ضمیمه عملیات و حدود انحصار و موضوع عمل این شرکت میکنیم در واقع يك کار بعلاوه ای است که انحصار را با و واگذار میکنیم تا بحال حدود ماهی غزرونی و صید ماهیهای غضروفی و ماهیهای حلال در رودخانه ها در انحصار کسی نبوده و آزاد بوده است و دولت اجازه میداد و از طرف افراد در این رودخانه ها بطور آزاد اداره میشد ولی حالا ما انحصار را باین عمل را واگذار میکنیم باین شرکتی که تعریف شده بنا بر این بنظر بنده تعیین این مقدار مجازات خیلی شدید برای اجرای این قانون در اول اجرا خیلی نامناسب و خیلی زیاد است — رای اینکه با يك مرد بی اطلاعی که از رودخانه يك ماهی صید بکند همان معامله را خواهند کرد که با آن کسی که مرتکب عمل قاچاق شده میکنند حالا خدمت آقای آموزگار هم عرض کردم که حالا که این قانون برای تجدید نظر و برای شور و دم برمیگردد به کمیسیون ها يك توجهی بکنند چون این ماده ارتباط با صلاحیت کمیسیون دادگستری دارد و يك توجهی بکنند که مجازات اینقدر شدید نباشد زیرا همانطور که عرض کردم در ابتدای اجرای قوانین يك قدری سهولت باید قائل شد و اینقدر شدت عمل قائل نشد زیرا مردم شمال و کرانه های دریای خزر که حالا ما میخواهیم اینها را ضمیمه بکنیم با انحصار شرکت تا آشنا بشوند و متوجه بشوند بگذرد باید بهشان ارفاق کرد و ارتکابشان را با ارتکاب جرم يك قاچاقچی برابر ندانست این خواهش بنده بود که در این قسمت هم يك توجه مخصوص بشود در قسمت "ج" میگوید "کلیه صیادان آزاد مکلف هستند در صورت صید ماهی غزرونی آنرا بشیرت سهامی شیلات تحویل داده و بهای آن را بنرخه که هر ساله از طرف شرکت تعیین میگردد نقداً دریافت نمایند" البته در این قسمت حرفی نیست برای ماهی غزرونی است و فقط برای استفاده خاویار باید صید بکنند بنا بر این چون خاویار هم بایستی در دست آن شرکت باشد و صیاد حقا باید بفروشد بآن شرکت و پولش را بگیرد ولی حرف بنده اینجا است "صید سایر انواع ماهی در نقاط مذکور در فوق هرگاه برای مصرف شخصی نبوده و بمنظور بهره برداری باشد منوط با اجازه کتبی شرکت سهامی شیلات خواهد بود و شرکت میتواند صید ماهی را در هر يك از رودخانه های مذکور با در نظر گرفتن شرایط فنی از طریق مزایده با اجازه واگذار نماید" این قسمت اخیرش هم باز مورد نظر بنده نیست برای اینکه ما میخواهیم انحصار صید رودخانه ها را با اجازه این شرکت واگذار کنیم در موضوع رفع مزاحمت از مردم را مطالعه کردیم و جز این فرمول دیگری پیدا نکردیم میخواهیم از همکاران محترم استعلام کنیم که اگر چیزی بنظرشان رسیده برای اصلاح این مطلب بفرمایند چون این مطلب قانون گذاری با اجرای قانون مخصوصاً در جاهائی که اشخاص بی اطلاع زندگی میکنند خیلی وقت لازم دارد و فوق العاده اهمیت دارد چون اصل اینست که این ماهی برای استفاده شخصی بوده یا نبوده و يك مأموری يك ماهی در دست دهقانی ببیند برای اوزحمت فراهم نکند خود این يك مسأله نظری و مسأله قضائی است که آیا این برای بهره برداری بوده یا برای مصرف شخصی بوده است و بالاخره

مطلب طوری در اینجا تنظیم شده است که قابل قضاوت است یعنی باید معلوم بشود که برای مصرف شخصی صید کرده یا برای بهره برداری و بیاورد و بفروشد در بازار این مطلب را در کمیسیون ما نتوانستیم حل بکنیم و بالاخره این فرمول را پیدا کردیم و بنده شخصاً نظرم این بود که اشخاص اساساً يك قدری آزرده تر باشند که اگر دهقانی زندگانش ماهی است و قوت لا یموتش ماهی است آن دیگر مشمول این گرفتاریها نباشد یعنی او را راحتش بگذارند و تعقیبش نکنند و مورد نظر ما مورین قرار نگیرد خوب این مطلبی است که بنظر بنده خیلی موثر است در تنظیم کار و اما در بنده "ه" بنده "د" هم باز بنظر بنده مورد استدهای بنده است از جناب آقای صدر و جناب آقای آموزگار که در اینجا هم مینویسید اگر در مناطقی ممنوعه که از طرف شرکت اعلان شده کسی صیدی کرد آنها مجازاتش حداکثر تا يك سال حبس است بنظر بنده این مدت هم خیلی زیاد است برای اینکه این مساله بهره برداری يك مساله کشدار و نظری است و خرید و فروش آن هم میشود گفت بهره برداری و این تشخیص از نظر قضائی میشود گفت که ایجاد مشکل میکند فرض بفرمائید بگویند بهره برداری اینست که ماهی را با تور بگیرد و خاویار ازش در بیاورد و خاویار را ببرد برای فروش این را هم میگویند بهره برداری و بنده نظرم اینست که اگر ما بخواهیم این مطلب را يك قدری کشیده ایم ممکن است بگویند اگر يك کسی ده تا ماهی در تورش آمد و آورد در بازار فروخت ممکن است بگویند که این هم بهره برداری کرده است و فرض بفرمائید اگر در منطقه ممنوعه که شرکت اعلان کرد که کسی حق ندارد صید کند يك کسی پایش را بگذارد در نقطه ممنوعه بگویند بقصد سوء نیت و قصد فلان رفتن این مطالب يك قدری کارهای مردم را مشکل میکند بطور کلی نظر اصولی و نظر اساسی من اینست که ما کارهایی که میخواهیم تازه از اول شروع کنیم این اندازه قید شده برای مردم قائل نشویم و اول با سهولت جلو برویم و اگر بدیم اهالی مطلع شدند و مردم مملکت دانستند که مناطق ممنوعه کجا است در آن روه خانه و یواش یواش وقتی اطلاع پیدا کردند و گاهی پیدا کردند به آن ترتیب جدیدی که ما میخواهیم بدیم آنوقت يك مجازات شدید برای آنها قائل بشویم ولی حالا که شمال را میدهم در اختیار شرکت شیلات و منطقه ای را هم منطقه ممنوعه میکنیم اگر کسی پایش را گذاشت در آنجا يك سال حبسش بکنیم این بنظر بنده کمال بی انصافی است (صحیح است) این را از جناب آقای صدر تقاضا میکنم در شور دوم در کمیسیون يك قدری توجه بفرمایند و نسبت باین مجازاتها يك قدری تخفیف قائل بشوند.

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی

معاون وزارت دارائی (آقای انواری) - مساله ای که جناب آقای نیکپور فرمودند کاملاً صحیح است عملیات شرکت شیلات ایران محدود است به قسمت دریای خزر و روه خانه های مجاور و در جنوب این شرکت مداخله ای ندارد ولی همانطوری که فرمودند تا اندازه ای که ما و وزارت دارائی اطلاعاتی داریم معامله ای هم شاید شده است با ژاپنیها و فروش هم شده است ولی من تصور نمیکنم که عنوان شرکتی هم نداشته باشد این يك معاملاتی است که سازمان برنامه میکند و جزء قسمتهای او است و اگر هم اطلاعات زیادتری لازم باشد ممکن است

بنده تحقیقات بیشتری بکم از سازمان برنامه که چه عملی کرده اند در شیلات و چه طریق عمل کرده اند (دیوان بیگی - عملی که میکنند دولت اطلاع ندارد؟) ممکن است بنده شخصا اطلاع نداشته باشم چون بنده ممکن است تمام اطلاعات نداشته باشم (نیکپور - در روزنامه ها نوشته شده است شرکت سهامی شیلات جنوب) صحیح است در مجلس شورای ملی در دوره گذشته سوالی شده بود و بنده تحقیقاتی هم کردم و جواب عرض کردم که با ژاپنیها يك معامله ای کرده بودند و يك قدری هم باین و آن فروخته اند و ممکن است تحقیقات بکم و در جواب عرض کنم البته در مجازاتها که فرمودند باید هم رسیدگی بشود ولی این مقررات که يك قدری سختتر شده است برای خاویار است قسمت اول که قسمت الف باشد (یکی از نمایندگان - چرا سختتر؟) - بنده بطوریکه در کمیسیونها هم گفتم خاویار قیمت زیادی دارد کیلویی ۱۹ دلار و خردهای تا صد درصد به ۴ دلار هم میرسد و آن برای اینست که اگر کسی قاچاق کرد و او را گرفتند این جریمه را از او بگیرند (نبیل سمیع - از خانم دولتو تفاوتش را بگیرد چرا از مردم میگیرید؟) در آن قسمت هم توضیحاتی جناب آقای وزیر دارائی در جلسه بعد بعرض میرسانند و قضیه روشن میشود در قسمت ب و ج هم که توضیحی لازم نیست در قسمت د این برای مناطق ممنوعه است و این مجازاتها معین شده است برای مناطق ممنوعه آنها برای تزئید نسل برای عملیات فنی اگر در عرض مدت دو ماه دولت این را ممنوع کرد اگر کسی صید کرد مجازاتش کمتر خواهد بود از ۳ ماه تا یکسال این را بازم در کمیسیون صحبت خواهیم کرد.

رئیس - آقای مجد مخبر کمیسیون بفرمائید


مخبر کمیسیون - بنده لازم میدانم آنرا بعرض آقایان برسانم که ۲ قانون پیشنهاد شده بود یکی قانون صید ماهیهای غضروفی و یکی هم اساسنامه شرکت سهامی شیلات که ما آنها را توی هم ریختیم و این قانون را در آوردم اگر می بینید که قانون مخلوط است میخواستیم آنرا خیلی مختصر بکنیم . اما اینکه جناب آقای نیکپور فرمودند در قسمت ب این چیز تازه ای نیست از زمان مرحوم میرزا حسن خان سپهسالار تقریباً ۸۰ - ۹۰ سال قبل اینطور بوده است یعنی صید ماهی و تهیه خاویار در انحصار آن شرکتهائی بوده است که به دولت واگذار شده است این چیز تازه ای نیست و مخصوصاً اینرا خواستم در جواب فرمایشات آقای نیکپور عرض کنم یکی از جهاتی که صدور خاویار و تهیه آنرا بعهده دولت میگذازند اینست که خاویار را بدو قسم تهیه میکنند یکی با دست تهیه میکنند این البته خوب نمیشود در بازار و در بازار بین المللی خراب میشود و خوب نخواهد بود و اسباب بدنامی خاویار ایران خواهد شد ولی آنهایی که در کارخانجات تهیه میشود مثل حسن کیاده مثل بندر پهلوی که این دو محل مهم است در شمال و سابقاً هم در گرگان بود ولی الان گویا در آنجا کارخانجات زیادی نیست اگر بنا باشد انحصار را از این قسمت برداریم آن مرغوبیتی که خاویار ایران در دنیا دارد از دست خواهد رفت اما در قسمت د که جناب آقای نیکپور فرمودند مسأله (مسأله بهره برداری نیست جلوگیری از تلف شدن و از بین رفتن نسل ماهی است که اگر هم سخت گیری بشود بنده خیال میکنم که بنفع مملکت باشد (شمس ملک آرا - صحیح است)

رئیس - آقای وکیلی فرمایشی دارید ؟

وکیلی - بنده پیشنهادهای کردم راجع بلغو مجازات که میروند به کمیسیون آنرا بفرمائید

بخوانند رئیس - آقای آموزگار بفرمائید

آموزگار - آقای نیکپور تذکراتی دادند که بعقیده بنده قسمت عمدتاً اشوار بود ولی نکته ای که میخواهم خدمت آقایان عرض کنم اینست که در مقدمه این لایحه نوشته شده است که این لایحه در کمیسیون شماره ۴ مطرح شده و با نظر کمیسیون تنظیم شده است و برمیگردد برای شور دوم بهمین کمیسیونها و بنابراین به کمیسیون دادگستری نمی آید مگر اینکه آقایان امروز رأی بدهند که در قسمت مجازاتها لایحه اقل بیاید بکمیسیون دادگستری (وارسته - قبلاً که آمده بود) درست است ولی حالا باز هم اگر آقایان موافق باشند باید بیاید (مخبر - میفرستیم) در قسمت مجازاتها همانطور که آقای نیکپور فرمودند حس کردم که نظر آقایان هم اینست که فقط اگر در منطقه ممنوعه کسی صید کرد سه ماه حبس بشود شدید است خصوصاً اینکه از ۳ ماه تا یکسال قابل اکتیاع هم نیست و اگر چنانچه یکماه دو ماه بود شاید میتوانستند اکتیاع بکنند ولی اینطوری نمیشود در زندان میماند با آن وضعی که ما داریم زندان ناریم و جا نداریم و خیلی جهات هست که بینی و بین الله خیلی ظالمانه است و عملاً اسباب زحمت دولت هم خواهد شد بنابراین اگر آقایان پیشنهاد بفرمایند یکماه تا ۶ ماه بشود یا ۲ ماه تا ۶ ماه بشود بنظر بنده عادلانه خواهد بود در قسمت که میخواهم خدمت آقایان عرض کنم و خاطر آقایان بیاورم یک قانونی از مجلس سنا گذشت در چند ماه پیش با نام قانون شکار در آن قانون منطقه های ممنوعه اعلام شد بطور مطلق که اینجا بنده عرایضی کردم صورت مجلس نظرم نیست نمیخواهم معدع آقایان بشوم متوجه باشید آقایان که این منطقه ممنوعه که اینجا ذکر شده منطقه ممنوعه همان جایی است که حوزه شیلات میباشد ولی لغتی که در آن نوشته شده " شرکت سهامی شیلات ایران میتواند برای تکثیر انواع ماهی ایران در بعضی از فصول قسمتی از دریا یا مردابهای دریای خزر یا رودخانه ها را از نظر صید جزء مناطق ممنوعه اعلام نماید " این یا رودخانه ها یعنی رودخانه های بحر خزر و اینجا باید نوشته شود رودخانه های آنرا (مخبر کمیسیون - منظر - همین است) والا فرزند کمیسیون شکار که شخصیت حقوقی دارد اعلام میکند که اینجا ممنوع است و آنجا ممنوع است و آقایان میگویند نه و این اختلاف بین دستگاه دولت واقع میشود و اسباب زحمت است و چون اصلاح عبارتی است اگر آقای مخبر و نماینده وزارت دارای موافقت بکنند این دیگر لازم به پیشنهاد نیست یعنی باید نوشته شود رودخانه های آنرا (مخبر کمیسیون و معاون وزارت دارای - صحیح است منظور هم همین بوده است) راجع به حبس هم اگر اینطور باشد از ۳ ماه تا یکسال این قابل خرید نیست اگر بشود از ۲ ماه تا ۶ ماه بعقیده بنده عادلانه است و قابل خرید میباشد ولی در آن قسمت که تذکر دادند آقای نیکپور در قسمت ج راجع به " هرگاه برای مصرف شخص نبوده و بمنظور بهره برداری باشد " فرمودند چون کلمه های پیدا نکردیم این را گذاشتیم بعقیده بنده همانطور که فرمودند اگر کسی برود ماهی بگیرد بخوره مثلاً یا حتی بخواند بفروشد این بهره برداری نیست بهره برداری یک کلمه عام بازرگانی است برای تجارت اینجا باید نوشته شود که صید ماهی در نقاط مذکور هرگاه بمنظور فروش باشد

(مهندس شریف امامی - پیشنهاد بد هید) اغلب بیچاره هایم آیند زنبیلهایی دارند این میروند ۸ تا ۱۰ تا ماهی صید میکنند و تارا بازن و بچه اش میخورند و بقیه را میآورد و میفروشد الان همین عبارت را آقایان تصحیح فرمایند نظر شما تأمین میشود بعقیده بند که مأمورین نمیتوانند برخلاف قانون متعرض مردم بشوند چونکه مفهوم عبارت اینست که اگر کسی برای مصرف شخصی میروند سید بکند اجازه نمیخواهد این عبارت را بند اینطور میفهم (مخبر کمیسیون - بله صحیح است) میگوید که اگر برای مصرف شخصی نباشد برای بهره برداری که بعقیده بند کلمه فروش باید بکنند اجازه میخواهد نه اینکه مطلقاً باید بقیه هر کس را بگیرد میگوید آقا این کار را نکن بلکه معنی اش اینست که کسی که میخواهد بروند صید ماهی برای تجارت و فروش بکنند او باید اجازه بگیرد و مفهوم صریح این عبارت اینست که صید ماهی برای خوردن هر فردی آزاد است و اجازه نمیخواهد و این مفهوم را ندارد که دولت مأمورین دولت اسباب زحمت مردم را فراهم بکنند که بیا اجازه از ما بگیرد اگر این عمل باشد باید خیلی صریح نوشت باید نوشت فقط در صورتیکه بمنظور معامله و فروش باشد احتیاج با اجازه دارد و لا غیر البته در کمیسیون اصلاح میشود اما راجع بآن قسمتی که راجع بانحصار فرمودند در قانون قاچاق اگر ملاحظه فرموده باشید اتفاقاً بنده در موارد حقوقی در قوانین ملاحظه کردم بسیاری از این قانون بر اثر مرور زمان قابل تغییر و اصلاح است تا در ۱۳۱۹ اصلاحاتی کردند اسمش قانون مجازات قاچاق است فصل عمده آن قانون راجع بانحصارهای دولت است  وقتی این را اسمش را قانون انحصار شیلات گذاشتید و گفتید انحصار دولت است خود بخود مشمول آن قانون است مگر اینکه بخواهید یک ماده استثنائی بگذارید بعقیده بند همانطور که آقای معاون وزارت دارائی توضیح دادند در این قسمت چون انحصار هم هست و قاچاق آن یکمقداری سخت تر باشد ولی از آن طرف آن ماده پائین را یک کمی مجازاتش را کمتر بکنید بطوریکه صریح باشد و مردم آزاد باشند چون ماهی یک غذای تقریباً عمومی مردم شمال است که در چهار مأمورین نشوند که سوء استفاده بکنند (نبیل سمیعی - مردم شمال بیچاره نیستند) آنها که میروند صید میکنند خیلی بیچاره هستند بهر حال بنظر بند در شورانوم اگر کمیسیون دادگستری آمد بند به سهم خودم این عقیده را اظهار خواهم کرد و وقت خواهد شد.

رئیس - آقای مهندس شریف امامی

مهندس شریف امامی - یکی از منابع مهم ثروت طبیعی در اغلب ممالکی که ثروت طبیعی دارند ماهی است و خوشبختانه مملکت ایران هم متمتع است بند فکر میکنم که باید یک اقدام اساسی بکنند در این خصوص حالا که برای شیلات ایران یک اساسنامه آوردند باید بند میخواهم پیشنهاد بکنم که یک مؤسسه ای بالاخره باید در دولت باشد که برای ازدیاد نسل ماهی که در اغلب رودخانه ها ممکن است ایجاد کرد و بهره برداری کرد و الان هیچ مؤسسه ای این وظیفه را ندارد و این تنها مؤسسه ای که مجهزترین دستگاههاست و متخصصین ماهی در آنجا جمع هستند این وظیفه را بعهده آنها واگذار کنید و باین لحاظ بند پیشنهاد کردم که در موضوع خود و در عملیات نوشته بشود که حفظ و ازدیاد و بهره برداری ماهی در تمام ایران یعنی تمام انواع ماهیهای

که ممکن است نسلشان را حفظ کرد و زیاد کرد و بهره برداری کرد جزو موضوع این شرکت باشد و این شرکت باید ائتن متخصصینی که هستند در قسمت رودخانه ها و بحر خزر و خلیج فارس و جاهای دیگر اقدامات لازم را برای ازدیاد نسل ماهی بکند و این ثروت ملی را حفظ و بهره برداری بکند . (دکتر بیانی - دانشکده دامپزشکی موظف برای این کار شده است) آنجا درس میدهند وظیفه که ندارند نسل ماهی را زیاد کنند .

رئیس - آقای حقنویس بفرمائید

حقنویس - بنده میخواستم آقایان را متذکر و متوجه بکنم بیک موضوعی و آن اینست که رودخانه ها مال دولت نیست رودخانه ها اموال مباحه است که تمام مردم در آن مساوی هستند حالا اگر دلتهای پیشرو ما مورین که از احکام مسلمانی بی اطلاع بوده اند یا اگر اطلاعات داشته اند مقید باجرای آن نبوده اند زور میگفتند و مردم را اذیت میکردند و اندک خارج از بحث ما است رودخانه ها مال کسی نیست قانون مدنی حالای ما مطلب همین است اصلا معنی ندارد که قانون مدنی یک مملکتی یک چیزی باشد و ما مورین مالیه اش را غیر از آن بگویند چرا برای اینکه ما زور داریم هرچه میخواهیم میکنیم این معنی ندارد کار دولت باید بر طبق قانون باشد سابقا شیلات بعقیده مردم مسلمان یک ماهیهای حرام داشته و یک ماهیهای مباح آمدند یک قرارداد را راجع به ماهیهای حرام بایک اشخاصی بستند و آنها را می گرفتند و میبردند بیرون میفروختند آنوقت میگفتند که ماهیهای حلال مال ایران است شما را بخدا آن قرارداد می رود از دست خا رجیه ما خارج بشود بیاید بدست خود مردم و آنوقت دولت ایران و وکلای مردم بیایند رودخانه های حلال را هم تحت انحصار قرار دهند و ما هیگیرهای بد بخت را از استفاد از این ماهیها محروم بکنند آخر چرا این بحثها اینجا میشود و مردم را مقید میکنید (رفیع - صحیح است) آخر آقایان شما در شمال ملک دارید در شمال بوده اید یکدسته ای زیاد ای اصلاح نسلشان همین است و اساس زندگیشان از روی گرفتن ماهی و فروش ماهی میگردد آخر چرا با آنها زور بگوئیم شما میخواهید مالیاتی وضع کنید به اشخاصی وضع کنید که خدا را خوش بیاید مردم را خوش بیاید یکعده بیچاره ای که وسیله اعاشه هیچ چیز ندارند و خدا و قانون هم آنجا را برای او وسیله قرار داده میخواهید آنرا هم از دستش بگیرید چه چیز مردم میگویند بفروشند که عایداتشان زیاد بشود رودخانه ها مال کسی نیست که میخواهید آنرا برخلاف اصول بدهید بشرکت ماهیهای رودخانه باید برای مردم ایران آزاد باشد بگیرند بخورند بفروشند دولت هم میخواهد بگیرد مانعی ندارد ولی جلوی مردم را نگیرند که مردم و فقرا بتوانند بگیرند برای اینکه بخورند بگیرند بفروشند و از محل فروش اعاشه کنند چنانچه از پیش هم معمول بوده حالا اگر چه در این لایحه اشعاری همینطور که آقای مخبر فرمودند شده است که مصرف شخصی خودشان آزاد شده است ولی بنده پیشنهاد میکنم که اینرا محدود نکنید بمصرف خودشان و انحصار هم بدولت ندهید آخر چرا میدید خدا را خوش نمیآید اینها چکار میکنند چرا اینکه بگویند وکلای ما در روزی ما را بستند بیشتر از این عرض ندارم

رئیس - بیانات آقای حقنویس کلیات بود ولی در ماده سوم فرمودند خوب مانعی ندارد حالا چند پیشنهاد رسید است و تا هم رسید که موقعش گذشته یکی در ماده اول یکی هم در ماده

د و ولی باقی در ماده ۱۳ است که قرائت میشود .

(شرح زیر قرائت شد .)

پیشنهاد میکنم در ماده اول نام شرکت با این صورت تصحیح شود (شرکت سهامی شیلات سواحل شمال ایران) .
نبیل سمیعی

مقام محترم ریاست مجلس سنا

بند پیشنهاد میکنم در ماده ۲ میزان سرمایه قطع قید شود .
نیکپور

پیشنهاد میکنم در موضوع حدود و عملیات شرکت ((حفظ و ازدیاد نسل ماهی در تمام رودخانه های ایران و آنچه که در بحر خزر و خلیج فارس)) نوشته شود .

مهندس شریف امامی

مقام معظم ریاست مجلس سنا

پیشنهاد مینمایم در قسمت (د) ماده ۳ اضافه شود اشخاصی که با انقلاب مبادرت به صید ماهی مینمایند محکوم به پرداخت سه مقابل قیمت ماهی صید شده میگردد و نه محکوم بحبس تادایی

محسن مهدوی

ریاست محترم مجلس سنا

بند پیشنهاد میکنم در قسمت (د) ماده ۳ مجازات متخلفین را از سه ماه تا یکسال بجزای نقدی مناسبی پایکماه حبس تادایی تبدیل شود .
علی وکیلی
رئیس - پیشنهاد هامیرود بکمسیون ، حالا ماده ۴ قرائت میشود
(شرح زیر قرائت شد)

فصل سوم - سازمان شرکت

ماده ۴ - سازمان شرکت عبارت است از ۱ - مجمع عمومی صاحبان سهام ۲ - هیأت مدیره ۳ - بازرسان .

تبصره - نمایندگی صاحبان سهام با وزیرداری و د نفر دیگر انتخاب هیأت وزیران خواهد بود
رئیس - آقای نیکپور فرمائید

نیکپور - در این فصل سوم سازمان شرکت تعریف شده و در ماده ۴ محدود کرده است

سازمان شرکت را از ۱ - مجمع عمومی ۲ - هیأت مدیره ۳ - بازرسان . در تبصره ذیل ماده نمایندگی صاحب سهم را با وزیرداری و د نفر دیگر انتخاب هیأت وزیران معین کرده است بند در جلسه گذشته یک کلیاتی راجع باین شرکتهای سهامی بعرض همکاران محترم رساندم و این دو ماده تقریباً یکی از آن مباحثی است که بند در کلیات عرض کردم بند نمیدانم حقیقت وقتی ما میگوئیم شرکت سهامی و قانونی برای شرکتهای سهامی در مملکت وجود دارد آیا میشود یک شرکت سهامی با سه نفر شخص حقوقی یعنی سه نفر شخص طبیعی که یک شخصیت حقوقی را بوجود میآورند بر طبق قوانین ما صحیح است یا نه البته از نقطه نظر قوانین عمومى شاید در تقسیماتی که برای شرکتهای معین شده و نوع شرکتهای ر - قوانین معین کرده اند و د نفر هم میتوانند بایکدیگر شریک بشوند و اسم شرکت بگذارند اما شرکتهای سهامی که اکسیون آنها با یستی در دسترس صاحبان سهام گذاشته شده باشد بند اعتقاد این

است که گو اینکه ماد رملکت بورسی نداریم که آکسیون آن شرکتها در آن بورس گفته شود و قسمتی برای سهام شرکتها در بورس وجود داشته باشد اما تمام این شرکتهاست که با سرمایه دولت تشکیل میشود حقاً و واقعاً تمام سرمایه اش متعلق بدولت است یعنی مال بیت المال است و مطابق قوانین مانعاً بیت المال وزیرداری است ولی متأسفانه باید عرض کنم که آنچه در گذشته ما تجربه کرده ایم این تشکیلات شرکتها بصورت هیاتهای مدیره و مجامع عمومی بعنوان نماینده صاحب سهم که دولت باشد یک صورت غیرمطلوب و غیرمتعارفی پیدا کرده باین معنی که این اشخاص گرچه معین میشوند برای مدت محدودی از طرف صاحبان سهام برای مدت دو سال یکسال و لکن غالباً دیده شده بمحض اینکه دولتها و مسئولین کار دولت احساس میکنند که یک شرکتی نظر آنها را رعایت نمیکند یا مطابق دستور و تعلیمات آنها عملی انجام نمیدهد فوراً آن هیات مدیره را برمیدارند عوض میکنند و منفصل میکنند و مجمع عمومی تشکیل میدهند و باز همان وزیرمسؤل یا آن نماینده صاحب سهم میآید من نشیند دستگاه دیگری را درست میکند و جای او میگذارد یعنی میخواهم بگویم این شرکتهاست که با اسم شرکت سهامی و هیاتهای مدیره ای که اسماً قانونگذاری میکنیم این منظره مقصودی را که ما اینجا داریم که یک کادری غیر از کادر دولتی دارای استقلال و شخصیت حقوقی در مملکت بوجود بیاید آن منظور را ما تأمین نکرده ایم یعنی در واقع میشود گفت که اسم بی مسماست بعنوان شرکت ماد درست میکنیم برای فرار از قانون دیوان محاسبات و تشکیلات مزایه و مناقصه و تمام مقررات عمومی که ما برای کارهای دولتی قائل هستیم شرکتی بوجود میآید افرادی هم با اسم هیات مدیره معین میشوند فقط از آن جنبه اشراستفاده میکنند که دارای شخصیت حقوقی علیحد هستند و دارای اختیارات وسیعی میباشند بر طبق اساسنامه و آنچه میخواهند عمل میکنند بدون اینکه بهیچوجه من الوجوه از نقطه نظر قوانین عمومی مملکت هیچگونه مسؤلیتی برای خودشان قائل باشند از این نظر بنده میخواستم این موضوع مورد توجه کمیسیون قرارگیرد در موقع شروع و هم که این قانون مطالعه خواهد شد که صرف اینکه ما شرکتهای سهامی بوجود میآوریم و هیات مدیره ای بنظر خودمان در قانون معین میکنیم که بر طبق رأی وزیرداری یا نماینده هیات وزیران که صاحب سرمایه هستند انتخاب شود این منظور را تأمین نمیکند یعنی هر روز این هیاتهای مدیره ائمه در تغییر هستند و مرتباً هیات مدیره یک شرکت و اعضای علی البهل یک شرکتی دائم در تغییر میباشند امروز این دستور را اجرا میکنند سر جای خود شریک دست فردا بر میدارند و دیگری را جای او میگذارند بنا بر این آن مقصود واقعی و حقیقی تأمین نمیشود بهیچ وجه من الوجوه و دائم این مؤسسات اقتصادی ما در ستخوش این قبیل تحولات عجیب و غریب است حالاً بنده نظرم این بود بالخصوص در کار این شرکتها که الان مورد بحث و مورد نظر است مایک مطالعه بیشتری در کمیسیون بکنیم و از آقایان هم خواهش میکنم اگر نظری دارند بما کمک بکنند که در اینجا که مینویسند نمایندگی صاحبان سهام با وزیرداری و دو نفر دیگر با انتخاب هیات وزیران خواهد بود و بعد هم هیات مدیره شرکت مرکب از سه نفر خواهد بود که این سه نفری که بعنوان مجمع عمومی و نماینده صاحب سهم است معین بکنند بیک صورتی و یک ترتیبی باشد که لا اقل دستگاه برای همین مدتی که در اینجا پیش بینی کرده اند برای یکسال یا دو سال اقل اینجا باشد که بعد از دو سال که دوره خدمتشان پایان پیدا میکند اگر خدمتی کرده اند

د و مرتبه خدمتشان تجدید بشود و اگر خدمتی نکرده اند تعقیب بشوند و مسؤلیت داشته باشند نه اینکه این هفته یک هیأت مدیره و هفته دیگر هیأت مدیره دیگری روی کار بیاید و این شرکتها دستخوش تحول و تغییر باشد و هیچگونه راند مان صحیحی آنطور که منظور نظر است حاصل نشود حالا بنده پیشنهادهای را تقدیم میکنم.

(شرح زیر قرائت شد)

رئیس - ماده ۵۰ قرائت میشود

ماده ۵۰ - ترتیب تشکیل مجامع عمومی عادی و فوق العاده و حدود وظایف هر یک بقراری است که در قانون تجارت تعیین گردیده.

رئیس - ظاهر آنظری نیست ماده ۶۰ قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

هیأت مدیره

ماده ۶۰ - هیأت مدیره شرکت مرکب از سه نفر خواهد بود که یکی از آنان سمت ریاست هیأت مدیره را خواهد داشت هیأت مزبور پیشنهاد وزیرداری و تصویب هیأت وزیران از بین کارمندان بصیر و با سابقه دولت برای مدت دو سال انتخاب میشوند. تغییر هر یک از اعضای هیأت مدیره نیز در ظرف مدت مقرر با پیشنهاد وزیرداری و تصویب هیأت وزیران بعمل خواهد آمد تجدید انتخاب هر یک از اعضای هیأت مدیره بلامانع است.

تبصره ۱ - انتخاب مدیرعامل پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب وزیرداری خواهد بود

تبصره ۲ - میزان حقوق هیأت مدیره و مدیرعامل و بازرسان پیشنهاد وزیرداری و تصویب هیأت وزیران تعیین خواهد شد.

رئیس آقای نیکپور

نیکپور عرض کنم در این ماده ملاحظه بفرمائید مینویسد (هیأت مدیره شرکت مرکب از سه نفر خواهد بود که یکی از آنان سمت ریاست خواهد داشت هیأت مزبور پیشنهاد وزیرداری و تصویب هیأت وزیران از بین کارمندان بصیر و با سابقه دولت برای مدت دو سال انتخاب میشوند) آنوقت مینویسد (تغییر هر یک از اعضای هیأت مدیره نیز در ظرف مدت مقرر با پیشنهاد وزیرداری و تصویب هیأت وزیران بعمل خواهد آمد تجدید انتخاب هر یک از اعضای هیأت مدیره بلامانع است) این همان عرضی بود که الان بنده در مجمع عمومی عرض کردم. اولاً مینویسد باید وزیرمالیه به هیأت وزیران پیشنهاد بکند از بین کارمندان بصیر و لایق. حالا شرایط بصیر و لیاقت چه چیز است آنها تعقیب بنده نظری است ممکن است عینک اشخاص متفاوت باشد بکنفران بصیر و لایق بدانند و فردا همان وزیر یا همان وزیران که این مرد را بصیر و لایق دانستند بعد از انتخاب ملاحظه بشود که خوب اطاعت امر نمیکند آنوقت غیر بصیر میشود و غیر لایق این معمول به جریان کارها هست بنابراین بنده خیلی فوق العاده نگران هستم که هیچ شرکتی و هیچ هیأت مدیره ای برای خود استقلال و شخصیتی قائل نخواهد بود برای اینکه هر روز متزلزل است برای اینکه هر روز به پیشنهاد وزیرداری فوراً قابل تغییر است و دیده ایم که خیلی تغییرات باین صورتها انجام شده است بهمین جهت خواستم توجه اعضای محترم کمیسیون را باین نکته جلب بکنم که یک تقصیری یا یک عمل خطائی یا دلیل

موجهی پیدا بشود که این مردی که انتخاب کرده اند برای مدت دو سال بان دلائل او را بر دارند نه اینکه صرفاً به پیشنهاد وزیر دارای تصویب هیأت وزیران حسن را بردارند و حسین را بگذارند و این ترتیب بنظر بنده صحیح نیست و هر روز این شرکتها و هیأت‌های مدیره متزلزل و دستخوش صرف اطاعت از تصمیمات هیأت دولت و وزیر مالیه خواهند بود .

رئیس - آقای مهندس شریف امامی .

مهندس شریف امامی - همانطور که در مورد مجامع عمومی اینجا مطالبی بیان شد بنده فکر میکنم وقتی ما قبول کردیم که یک دستگاهی مطابق اصول شرکت سهامی اداره شود باید تمام اصولی را که در یک شرکت مراعات میشود ملاحظه بکند اگر قرار شود که مجمع عمومی داشته باشد یعنی کسانی که بیشتر از همه صاحب علاقه و صاحب اطلاع راجع به کار شرکت هستند آنها باید نسبت بتغییر مدیران عامل و هیأت مدیره تصمیم بگیرند . چه معنی دارد که یک وزیر پیشنهاد بکند یا هیأت وزیران پیشنهاد بکنند . جناب آقای دکتر صالح در کار خود شان بسیار وارد هستند ولی در امر شیلات تصور اینکار از ایشان نمیرود که وقت صرف کند و مذاقه بکند و بجزئیات آن وارد بشوند آخر ایشان چه چیز را تصویب بکنند شاید مصلحت هست و شاید مصلحت نیست ایشان اظهار نظر شان بعقیده بنده جز تضييع وقت يك چنین وزیری نتیجه ای نمیتواند داشته باشد بنابراین بنده فکر میکنم که تغییر هیأت مدیره بایستی با تصویب مجمع عمومی باشد آنها مبتنی بر اصولی که در شرکتها است یعنی يك برنامه های را هیأت مدیره تقدیم مجمع عمومی میکند و مجمع عمومی وقتی تصویب کرد در اجرا را آن برنامه اگر اهملی کردند یا قصوری ورزیدند خود مجمع عمومی نسبت بتغییر آنها تصمیم میگیرد اینست که این مطلبی که اینجا پیش بینی شده است که تغییر آنها بنا بر تصویب هیأت وزیران باشد بعقیده بنده خلاف مصلحت و ترتیب است و پیشنهادی بنده خواهم داد که بتصویب مجمع عمومی باشد .

رئیس - آقای آموزگار .

آموزگار - چون البته در شور دوم در کمیسیون مباحثاتی خواهد شد اینجا برای اینکه جناب آقای شریف امامی مستحضر باشند يك نکته ای که آقای مخبریا معاون و زارت دارای باید جواب بدهند بنده يك جوابی عرض میکنم که کارشان سبک شود اصولاً آقای مهندس شریف امامی حق با جنابعالی است برای اینکه قاعده اینست که مجمع عمومی مطابق قانون تجارت تغییرات بدهد هیأت مدیره انتخاب بکند و فقط بکنفر مدیر عامل را اختیار داده اند به هیأت مدیره والا همه کارها با مجمع عمومی است اما چیزی که خیال میکنم توجه فرمودید اینجا است که بالا نوشته (مهندس شریف امامی گرفتاری همان بالا است) صاحبان سهام دولت است دولت میز و صندلی که نیست نمایندگی میخواستند و اشخاصی هستند که باید وزیر معین کند این دو سه تا نمایندگی دولت که نشسته اند مجمع عمومی است اما نظر اصولی شما را تصدیق میکنم ولی در این مورد صحیح نیست پیشنهاد هم اگر بفرمائید حل است اما ننگهای را که بنده خواستم تذکرید هم خدمت آقایان در اینجا نوشته شده است که هیأت مدیره شرکت مرکب از سه نفر خواهد بود که یکی از آنها سمت

ریاست هیأت را دارد البته همه آقایان الان منتقل میشوند دولت وقتی که نمایندگانه مجمع عمومی یعنی آن سه نفر وزیر دارائی یا دیگری ابلاغ یا حکمی که صادر میکند برای سه نفر یکی را مینویسد رئیس که سمت ریاست خواهد داشت و دو نفر دیگر هم سمت عضو خواهند بود حالا بکنفر که سمت ریاست خواهد داشت کسی ابلاغ میکند لابد وزیر دارائی ابلاغ میکند و این مخالف قانون تجارت است در قانون تجارت شرکتهای سهامی که حالا ما داریم در نظر نیست تصریح دارد که پس از تعیین هیأت مدیره از طرف مجمع عمومی آن هیأت از میان خودشان بکنفر را بریاست انتخاب می کنند (مهندس شریف امامی - یا از خارج) نه از خارج خیر آن مال مدیر عامل است ببخشید بنده واردم و ما - لا هستم رئیس باید از میان خود آن سه نفر هیأت مدیره باشد مدیر عامل که ممکن است از خودشان باشد یا از خارج باشد این عبارت که در قانون نوشته شده وقتی فردا تصویب شد از این سه نفر بکنفرشان رئیس خواهد بود یعنی بچه ترتیب رئیس خواهد بود (یکی از نمایندگان - هیأت وزیران انتخاب میکنند) این برخلاف قانون است چون تعیین رئیس هیأت مدیره با خود این سه نفر است مگر اینکه در مورد استثنائی باشد و قانون تجارت اعمال نشود و هیأت وزیران رئیس تعیین بکند بنده عرضی راجع بکیفیت این ندارم خواستم توضیح بدهم

رئیس - آقای پیشنهادی بدهید که مطابق قانون باشد آقای وزیر دادگستری بفرمائید
وزیر دادگستری - (آقای گلشائیان) - بنده در وسط فرمایشات آقای مهندس شریف امامی وارد شدم متوجه شدم که شاید برای ایشان سوء تفاهمی حاصل شده است شرکت شیلات که - با اسم شرکت سهامی میگوئیم این حقیقه یکی از ادارات بهره برداری وزارت مالیه است (دستی - چس؟) عرض کردم شرکت شیلات یکی از ادارات بهره برداری وزارت مالیه است (دستی - خوب چرا - شرکت تشکیل داده اید سابقا با رو سهام شرکت داشتید حالا خودتان اداره بکنید لازم نیست دروغ بگوئید یعنی دروغ قانونی درست بکنید) عرض میکنم برای بکنه استگاهی که بخواید بهره برداری بکند اگر بخواید روی اصول مقررات عمومی ادارات عمل بکند یعنی مزایده و مناقصه و اصول معاملات دیگران مشکلاتی برایش پیش بیاید (مهندس شریف امامی) - یک قانون بیاورید و مستثنی کنید از مقررات) برای استثنای آن قانون فرمولی که پیدا شده است اینست که ما عنوان شرکت سهامی بدهیم که صد درصد سهامش متعلق بدولت است و نماینده مالی دولت هم که وزیر مالیه است یعنی نماینده سهام دولت وزیر مالیه است منتهم وقتی که شرکت سهامی که صد درصد سهام آن مال بکنفر است انتخاب اعضا هیأت مدیره اکثریت سهام مطابق قانون تجارت باید معین بکنند اکثریت سهام این مال کیست؟ مال دولت است نماینده دولت کیست وزیر مالیه است پس در این صورت اعضای هیأت مدیره را وزیر مالیه تعیین میکند ولی از نقطه نظر اهمیت موضوع و از لحاظ اینکه وزیر مالیه هم در عزل و نصب اینها مداخله نکرده باشد این فرمول را درست کردیم که وزیر مالیه پیشنهاد میکند و هیأت وزیران تصویب میکند اینکه فرمودند مجمع عمومی این صحیح است اگر توجه بفرمائید مجمع عمومی عمومی یک شرکت سهامی که صد درصد سهامش متعلق بکنفر باشد یعنی امروز مجمع عمومی بانک ملی که مطابق اساسنامه قانون دارد کیست عبارتست از دولت یعنی وزیر مالیه که نماینده اصلی صاحب سهم است منتهم مثل اینکه ما اینجا نوشته ایم هیأت وزیران هم دو نفر دیگر تعیین میکند از صاحبان سهام نه از خارج انتخاب میکند اینها را هم از لحاظ اینکه تمام سهام متعلق بدولت است و نماینده سهام وزیر مالیه هست اینطور در نظر گرفته اند که هیأت مدیره را وزیر مالیه پیشنهاد میکند و هیأت وزراء هم تصویب میکنند جناب آقای نیکپور فرمودند که وقتی انتخاب شد چون بنده در وسط فرمایشات ایشان

وارد شدم و نپیدانم که درانتخابش هم تردید نداشته اند یا نه؟ اگر درانتخابش تردید نداشتند طبعاً در عزلش هم همین روش معمول باشد چرا؟ برای اینکه اگر هیأت مدیره ای در ضمن عمل نتوانستند که کار خودشانرا انجام بدهند یا خدای ناکرده تخلفی انجام دادند باید آنها را عوض کرد و صبر نمیکنند تا دو سال و سه سال بعد عوض بکنند آقا خیلی خوب وارد تر ازینده هستید اگر امروز یک شرکتی تشکیل بشود و دیدند که مدیر عامل یا هیأت مدیره خیانت میکند یا تقلبی میکند یا ضرر زیاد بشکرت میزند آنرا مجمع عمومی فوق العاده را دعوت میکنند به تقاضای بازرسان حتی بتقاضای چند نفر صاحب سهم مجمع عمومی فوق العاده رأی میدهد بعزل آن هیأت مدیره که برای سه سال انتخاب شده اند اینجا که مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی ما عبارت از یک نفر است یعنی وزیر مالیه ایشان اعلام کردند در تهران در روزنامه ها که آقا مجمع عمومی شرکت سهامی شیلات توی اطاق وزیر مالیه در اطاق وزیر مالیه ساعت ۱۰ صبح روز ۵ آبان تشکیل میشود این قانونی است و هیچ اشکالی ندارد اینست که اساس نظر آقا اینست که اساس شرکت راهمانطوریکه آقای دشتی فرمودند بهم بزینم خوب این امری است علیحده ولی اگر ما بخواهیم که بصورت شرکت بازرگانی اینجا عمل بکنیم خواه ناخواه باید اعضای هیأت مدیره اش را صاحب سهم یعنی وزیر مالیه او پیشنهاد بکند هیأت وزراء تصویب بکنند خواستم این توضیح را عرض بکنم.



رئیس - آقای مهدوی بفرمائید.

مهدوی - در ماده ۶ و ماده ۸ تعیین می کنند که هیأت مدیره شرکت بازرسان و مدیر عامل از بین کارمندان بصیرو با سابقه دولت انتخاب میشوند بعد در تبصره ۲ ماده ۶ میگوید که میزان حقوق هیأت مدیره و بازرسان به پیشنهاد وزارت دارائی و تصویب هیأت وزراء خواهد بود اینجا یک مطلبی است و آن مطلب آنستکه در خارج مطابق گفته های دولت و تقاضای کارمندان دولت همیشه نظر اینست که تبعیضی نباشد و حقوق کارمندان حتی المقدور مساوی باشد مطابق همین قانون و همین لایحه هم که الان مطرح است میگوید بازرسان و هیأت مدیره و مدیر عامل از اعضای بصیر و با سابقه و عالی مرتبه دولت باشند بالاخره در نتیجه خواهند گفت که یک مدیر عاملی که در وزارت دارائی کار میکند می رود عضو هیأت مدیره بشود دیگر بنده متوجه نمیشم که در اینصورت چرا حقوق و مزایای پست رتبه خود را نگیرد و محتاج باین خواهد بود که حقوق او را بیشتر و مجدداً تصویب وزیر دارائی و پیشنهاد هیأت مدیره باشد بعقیده بنده باید همان حقوق و مزایای پست خود را بگیرد چون بالاخره مستخدم دولت است از روی یک صندوق و پشت میزی برمیخیزد و پشت میز دیگر روی یک صندوق نشیند بنا براین همان حقوق و مزایا را داشته باشد.

رئیس - آقای نیکپور بفرمائید.

نیکپور - شعری گفتیم و در قافیه اش گیر کردیم حقیقت مطلب این است که اساس کار شیلات بهره برداری از بحر خزر ورود خانه ها و مرداب ها و این حرفها است که هر چه بیشتر رسید بکنند بیشتر تولید بکنند بهتر خاویار تهیه میکنند و بیشتر فروش میکنند و بیشتر پول در میآورند (سزاوار - هر چه بیشتر رسید کنند ماهی کمیاب میشود) عرض کنم که حقیقت مطلب را ما میخواهیم اینجا صحبت بکنیم شرکت سهامی درست بکنیم که صاحب سهم آن دولت است یک نفر اکسیونرد دیگر در این سهم نیست اگر طرفی داشت این قراردادها یک شرکتی تشکیل میدادیم بسیار منطقی

و جبری بود فرض فرمائید می‌آیدیم و با یک مؤسسه دیگری یا یک دولت دیگری و یا دستگاه دیگری و یا یک شخصیت حقوقی یا طبیعی شرکت بوجود می‌آوریم برای بهره برداری بنده صد درصد موافق بودم تمام مقررات و اصول آن شرکت سها می را ما باید قائل میشدیم و قبول میکردیم منتهی از اینکه ما میترسیم اینکه کارمان بصورت دیوان محاسبات کذائی با مزاید و مناقصه با قرار از یک مقررات خشک مالیات می‌آئیم کارها را بر میداریم اسمهایش را عوض میکنیم یکی را میگذاریم شرکت سهامی و یکی را میگذاریم بنگاه مستقل دیگری را میگذاریم سازمان و بالاخره پولهای مملکت را توی این دستگاهها پراکنده میکنیم برای قرار از یک مطلب برای اینکه میخواهیم بگوئیم که اینها خارج از حدود مزاید و مناقصه و مقررات دیوان محاسبات عملشان را انجام بدهند و بصورت عمل بازرگانی کارشانرا انجام بدهند در صورتیکه ما هیچ ضرورت نداریم که خودمانرا باین زحمتها بیندازیم چه لزومی دارد ما خودمانرا در کاریکه صد درصد متعلق بد دستگاه دولت است همانطور هم مقررات متناقض و تصمیمات جورواجب و بگریه البته نوع این دستگاهها کارهایشان با هم متفاوت است شرکت نفت و طرز بهره برداری از صنعت نفت و استخراجش و فروشش باید یک طوری دیگری عمل بکنند شیلات طور دیگر باید عمل بکنند شرکت معاملات خارجی بطور دیگر باید عمل بکنند اما نتیجه و مآلاً یک شعری گفته ایم که در قافیه اش گیر کرده ایم آمده ایم برای فرار از یک جریانهای امور مالی و اقتصادی مملکت را بقالب شرکت و سازمان و بنگاه و مؤسسه و اینها در آورده ایم در صورتیکه همه اینها را ما می بینیم در جاهای دیگر بشکل دیگر تشکیل داده ایم مثلاً ما دستگاه انحصار و خانیات داریم و خانیات صد درصد در اختیار دولت است خریدش و صدورش و تدارکش و تهیه اش تمام در اختیار دستگاه خانیات است ولی بصورت اداره عمل میشود اداره انحصار قند و شکر داریم خریدش تولیدش تمام در دست انحصار دولت است وارداتش فروشش توزیعش و پخشش همه در انحصار دولت است اینرا بصورت شرکت عمل میکنیم اما در مقابل می بینیم که دستگاههای دیگری را بوجود آورده اند و آنها را هم بصورت شرکت عمل میکنند بعقیده بنده این کورس و ریش پهن است بعقیده بنده کارکوسه و ریش پهن همین کارها است که ما داریم میکنیم کارکوسه و ریش پهن یعنی هم قانون در دست میکنیم برای این شرکت برای این دستگاه برای این سازمان در صورتیکه تمام این دستگاهها با سرمایه دولت هست و وجوه بیت المال و باید قطعاً بر طبق یک قوانین و مقررات عمومی اداره بشود و واقعاً باید مجلس و دولت نظارت داشته باشند باید کاملاً مطابق قانون اساسی در این نظارت بشود مراقبت در جریان کارشان بشود و در بودجه هم منعکس بشود والا همه اینها را که آقایان فرمودند ما همه را قبول داریم برای اینکه صاحب سهم وزارت دارائی است و مجمع عمومی متشکل است از وزیر دارائی و دو تا وزیر دیگری که هیأت وزیران معین میکند هم عزل میکند هم نصب میکند هیچ مانعی ندارد که بگوئیم که هیأت وزیران و وزیر مالیه حق عزل دارد و باید بگوئیم مجموع صاحبان سهام بر طبق قانون بتقاضای خمس از صاحبان سرمایه تشکیل شود بر طبق قانون عمومی تجارت حالا برگردیم بهمان اصلی که بنده در جلسه گذشته بتفصیل توضیح عرض کردم موضوع قابل توجه است موضوع قابل دقت است مخصوصاً از جناب آقای وزیر دارائی گسترده در آن جلسه استنداعا کردم امروز هم استدعای خود را تجدید میکنم این موضوعات مالی و اقتصادی باین صورتی که در آمده است زیان بخش است (صحیح است) یعنی طوری الآن دارد اداره میشود که نظارت حقیقی و واقعی دولت در آن نیست و دارای استقلالهایی از یک طرف هستند و تفریطهایی از طرف دیگر در آن میشود و بعلاوه یک عدم سنخیت و عدم تناسبی در زندگی اجتماعی ما پیدا شده فلان مدیر عامل شرکت فلان بازرگانش شرکتها فلان عضو هیأت مدیره شرکت یک مزایای فوق العاده ای دارد که یک پیرمردی که تمام عمرشرا در اداره صرف کرده است هیچ استفاده ای از آن مزایا ندارد بنابراین بعقیده بنده در این قانون شیلات چند ماده ای را فرضاً تصویب کردیم و برای اجرا تقدیم قوه مجریه کردیم و اجرا هم شده دردی را دوا نمیکند ما همه اش اینجا مواد را داریم تصویب میکنیم که با اصول متناقض دارد و اصل فکر ما این باید باشد که حقوق دولت و مملکت و مردم محفوظ باشد.

رئیس - آقای سزاوار بفرمائید .

سزاوار - ما در هر قانونی که بحث میشود آن مقصود و نتیجه اصلی را میگذاریم کنار و در اطراف و حواشی آن زیاد بحث میکنیم همانطور که جناب آقای نیکپور توضیح دادند اداره شیلات یعنی اداره کردن شیلات بمنظور بهره برداری از ماهی و خاویار و امثال آنها که یک قسمتی را که مورد مصرف اهالی است در اختیار مردم بگذارند و یک قدری هم بخرند - ارج بفروشد و بالاخره این سرمایه ملی از بین نرود هم مردم در رفاه باشند و هم آنچه را که هست و باید بفروش برود در بازارها بفروش برسانند همانطور که همه توجه دارند این موضوع امتحان شده است و غیر قابل تردید است که دولت تاجر خوبی نبوده است و همه میدانند که در هر کاری که دولت مداخله کرده است ضرر کرده است ما از زمان سابق داریم که در کارخانجات چالوس که اگر بیلان آنها را بیاورند اینها ضرر کرده اند ضرر روی ضرر و این ضررها را رویش را پوشانیده اند و وقتی درست حساب میکنند معلوم میشود که میلیونها ضرر بدولت خورده است و معلوم نیست عامل مؤثر این ضررها چه بوده است جز اینکه دولت نتوانسته درست اداره بکند حالا که این موضوع مطرح است بنده میخواستم از آقایان تقاضا بکنم یک توجهی بفرمایند حالا گذشته از اینکه در قسمت گیلان و مازندران یک قسمت خوراک و ارزاق اهالی ماهی است و آن گوشتی که مصرف میکنند از ماهی مصرف میکنند یک مقدار هم در تهران و سایر شهرستانها در فصولی که ماهی میگیرند مصرف میشود سابقا همیشه ماهی بحد کافی در دسترس مردم بوده و بنده اگر بخواهم افسوس نکم باید عرض بکنم که قبل از اینکه شیلات ^{سازمان اسفندکافلی} ^{تاسفندکافلی} باین صورت در بیاید بیشتر مردم در رفاه بودند ولی بنده پارسال مکرر شنیدم صدای ناله مردم را که چه شده که ماهی کم است ماهی نیست ماهی گران است ماهی گندیده است ماهی فاسد است این نبوده مگر اینکه دولت نتوانسته اداره بکند حالا همانطور که فرمودند نتیجه چه خواهد شد معلوم نیست حالا آن قسمت را نمیگوئیم در قسمت هیأت مدیره اگر ما بگوئیم هیأت مدیره دخالت داشته باشد در تعیین مدیر عامل یا دخالت نداشته باشد هیأت مدیره معلوم میشود وزیر ارائی است و کیس دیگری نیست زیرا تمام سهم متعلق به وزارت ارائی است و فقط از نظر اغفال کردن و از نظر اینکه فردا کار خودشان را درست بکنند که پولی که تحصیل میشود بجزانه ریخته نشود که بعد بخواهند از آن محل مصرف کنند و دچار زحمت بشوند باینصورت در آورده اند که این پول را در دسترس خودشان داشته باشند و برای خرج کردن آن بگویند عمل بازرگانی است این بنظر بنده صحیح نیست و مجلس نباید تابع یک هوی و هوسهایی باشد باید اصل موضوع و مقصود و چیز دیگر باشد و صورت قانون چیز دیگر باشد و بنظر بنده باید دولت توجه بکند اگر میخواهند بطور شرکت اداره بکنند چه عیبی دارند که سهامش را تعیین بکنند و بفروشند بافراه و افراد هم در سهامش شرکت بکنند بنظر بنده سهل است و بهتر است تا اینکه در دست خود دولت باشد مثلا در همان موضوع بازرسی که اینجا مینویسد بازرسی این همه بازرسی در هر امری که تعیین میشود اصلا حرف مفتی است بنده یک وقتی عرض کردم که هی بازرسی بر بازرسی بازرسی بر بازرسی تعیین میشود ولی در حقیقت کاری نمیشود فقط یک حقوق و مزایا و اضافاتی

آن بازرسی میگیرد و یک اتومبیل هم بان بازرسی باید بدهند این برای اداره کار نتیجه ای ندارد فقط تشریفاتی است که تطبیق با قانون تجارت بکند مخصوصاً از این مأمورین مرافق در وزارت دارائی هست که بعنوان عضو هیأت مدیره بعنوان مدیر عامل بعنوان بازرسی غالباً یک اشخاص از کار افتاده و کنار که باید یک پولی بهشان داده شود و یک وسائل هم در اختیارشان گذاشته شود انتخاب میشوند والا از نظر نتیجه صفر است و بهیچوجه اینها تأثیری ندارند جز اینکه اینها بروند و از آن چیزهایی که در شیلات یا شرکتهای دیگر هست اینها بازرسی بکنند و از نتیجه این بازرسی استفاده بشود. علیهذا بنظر بنده از این بحثی که در این قسمت ها میکنیم خوب است که جناب آقای وزیر دادگستری که دفاع کردند از این لایحه و همچنین جناب آقای انواری یک کاری بکنند که دولت در این موضوع یک توجهی داشته باشد هم در وضع فروش و هم در اینکه چه محلی ها و چه تهران و سایر شهرستانها در رفاها باشند الان تازه فصل شروع میشود باز ماهیهای فاسدی میاورند و پولش را از مردم میگیرند و مثل سال گذشته یک عده ای مریض میشوند. باید توجه بشود در اداره کردن این مؤسسه که هم مردم در رفاها باشند و هم آن سود لا زمه حاصل بشود و الا این صحبتی که میشود که هیأت مدیره را صاحبان سهام یا خود دولت یا وزیر دارائی تعیین بکنند اینها همه اش مساوی است.

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی بفرمائید.

معاون وزارت دارائی - بنده وارد این بحث نمیشوم که جناب آقای نیکپور چه در جلسات کمیسیونها و چه در جلسه قبل فرمودند این بینگها و شرکتهای وجودش صلاح است یا نیست این بحث دیگری است فعلاً روی قانون اینها اداره میشود و جناب آقای وزیر دارائی هم در تأیید نظر آقایان در جلسه قبل فرمودند که ممکن است بیک صورت دیگری یا تشکیلات دیگری یا وضع دیگری برای نظارت بر شرکتهای بوجود آورد ولی تمام دستگاه دولت و ادارات تابع مقررات و قوانین محاسبات عمومی است اگر درآمدی دارند آن درآمد را بوسیله وزارتخانه برای گرداندن چرخهای مملکت مصرف میکنند تبعیت از قانون محاسبات عمومی یا دیوان محاسبات هم اشکالی ندارد ولی اگر بنا باشد یک وضعی پیش بیاید که شیلات را بصورت یک اداره ای دریاوریم این را اولاً مقایسه فرمائید با انحصار خانیا یا قند و شکر برای اینکه خانیا در داخله یک چیزی را میخرد روی قیمت انحصاری و روی قیمت انحصاری هم میفروشد این عملی نیست که اصلاً محتاج این باشد که بگوئیم باید بصورت شرکسی اداره شود (نیکپور - بفرمائید فرقی چیست؟) فرقی اینست که شیلات باید یک معاملاتی با خارج بکند (نیکپور - قند و شکر هم با خارج معامله میکند) راجع بان هم گرفتاریم برای اینکه اگر خواهیم با خارج بفروشیم اینقدر گرفتار زحمت هستیم که آیا اعلان مزایده بدهیم یا ندهیم و آیا اعلان مزایده صلاح است یا نیست و همینطور گرفتاریهایی از نظر اجرای مقررات پیش میآید و غالباً کارها لنگ میشود حالا شرکت شیلات بان صورت و وضعیت که بوده افتاده بدست دولت و دولت هم اداره اداره میکند شعر هم نگفته ایم که در قافیه اش گیر کرده باشیم در ظرف ۲۵ سال تمام درآمد دولت همانطور که در جلسه قبل بعرض رسید در حدود ۷/۵ میلیون بوده است ولی الان از آخر

مردان ۳۱ باینطرف تا تیر سال گذشته درآمد خالص ما شانزده میلیون تومان بوده است پس کار کرده است جنوب کار کرده است حالا هم قانون در دست دارد و عمل میکند حالا هم که این اساسنامه را تقدیم کرده ایم نمیخواهیم بگوئیم که یک شرکتی یا یک سازمانی عملش را بدون مزایده و مناقصه بکند تمام بنگاهها و شرکتها را که ملاحظه میفرمائید هیچوقت یک کسی آزادانه جنس را نمیفروشد یا نمیخرد قطعاً بصورت قانون محاسبات عمومی عمل میکند و همیشه فروشش با مزایده و خریدش با مناقصه است منتها از نظر قانون محاسبات عمومی در جریان مملکت یک وضع دیگر دارد از نظر اینست که گفتیم بصورت شرکت در پیاید باین صورتی که در اساسنامه ملاحظه میفرمائید آقای مهدوی هم فرمودند که چرا ما یک کارمند را میبریم حقوقش را بالا میبریم با این حقوق همان حقوق باشد ما میگوئیم که یک کارمندی که لایق باشد و الا / ۶۹۰ تومان حقوق میگیرد میبریم در یک شرکت حقوقش را هم بین هزار یا هزار و پانصد تومان تعیین میکنند ما که نمیتوانیم بیک کارمند ششصد تومان بگوئیم بیا در یک شرکتی کار کن با همان حقوق تفاوت زیادی هم ندارد و اشکالی هم ندارد.

رئیس - آقای نیکپور بفرمائید.

نیکپور - کم کم بحث در این موضوع دارد باین نتیجه میرسد که مثل اینکه ماها که در این موضوع بحث میکنیم و صحبت میکنیم یا همکاران بنده که نظریاتی برای اصلاح این قانون پیشنهاد میکنند تصور میکنند که امور بطوریکه قبلاً در دست خارجیا بوده بسیار خوب بوده و حالا که بدست داخلی میخواهد بیفتد ما موافق نیستیم این کاملاً بعکس است ما صد درصد معتقد هستیم که کارها بدست ایرانی اداره شود (صحیح است) ما صد درصد معتقد هستیم که امور در دست دستگاهاهای خودمان بجریان بیفتد (صحیح است) بهیچوجه من الوجوه ما از مذاکرات و بحث و انتقاد خودمان در این مسائل نظر نداریم که بحث و انتقاد این نتیجه را بدهد که خدای نخواسته ما میخواهیم بگوئیم که بایستی که کارها را با مشارکت اجانب و با مشارکت خارجی ها انجام بدهیم. اینکه میگوئید در موقعی که با خارجیا شریک بودیم فایدهات ما خیلی کم بود حرفی زده نمیشد و حالا که کار بدست ما افتاد میگویند بد اداره میشود بنده این صحبت را بسیار ناروا و سفسطه میدانم (صحیح است) برای اینکه هیچ ایرانی نمیگوید که یک کاری که ما میتوانیم عهده بگیریم و انجام بدهیم آنرا بدیم یک دستگاه خارجی اداره کند ما میگوئیم باید با اصول صحیح کارها اداره شود و این نکته را هم بازینده میخواهم یک توضیحی عرض بکنم اینکه بنده گفتم شعر گفته ایم و در قافیه گیر کرده ایم ایشان گفتند شعر نگفتیم و در قافیه اش گیر نکرده ایم البته عینکها مختلف است بعینک شما شاید در قافیه اش گیر نکرده باشیم ولی با عینک بنده بقدری وضعتان نامتناسب و تشکیلاتتان نامطلوب و فاسط است که حد ندارد. آقا بهره برداری شما از دستگاها بابتان بقدری بی تناسب و بی معنی است که حقیقتاً خودتان بآن توجه ندارید. پررور بود که آقای وزیر ناراضی خودشان پشت این تریبون صریحاً گفتند ما نظارت و دخالتی در خیلی از این مؤسسات نداریم چطور میخواهید که در قافیه اش گیر نکنید؟ بنده نظرم اینست که اگر شما بخواهید که مؤسسات انحصاری و

است خودتان بصورت شرکت اداره شود يك فكرى بكنيد كه حقیقهٔ بمعنای واقعی و حقیقی شرکت باشد اگر این نیست برای صورت سازی این کار را نکنید بلکه يك وضع واحدی ایجاد بکنید نه اینکه یکی را بیاورید و بکنید مؤسسه بهره برداری یکی را بکنید نه نگاه انحصاری میگویند که کار خانیا با شیلات فرق دارد و فرقی اینست که شیلات باید خاویار و محصول خودشان را در خارج بفروشد و انحصار خانیا این طور نیست. آقا مؤسسه انحصار خانیا مگر احتیاجات خودشان را از خارج وارد نمیکند یا مثلا مؤسسه قند و شکر واردات خودشان را از خارج وارد نمیکند؟ شما شرکت معاملات خارجی را بوجود آورده اید که معاملات خارجی را انجام دهد در صورتیکه شرکت مزبور وارد کار معاملات داخلی شده و برنج را میخرد و در داخل گرانتر میفروشد... اینها را بیک صورت عجیب و غریبی در آورده اند که حدی ندارد بنده میخواستم بگویم که حقیقهٔ ما را بی جهت و بی سبب متهم نکنید (صحیح است) اگرما انتقاد میکنیم يك مورد از کارهای شما را ما نظرم این نیست که آن کارهایی را که خارجیا میکردند خوب بوده است یا نه ما اصلاً مبری از این اتهام هستیم (صحیح است) و هیچوقت برای این مسائل این صحبت هارا نمیکنیم ما این دلسوزی را برای کار خودمان و برای بیت المال خودمان میکنیم و آنقدر نفوس میزنیم و اینقدر صرف وقت میکنیم شما خودتان حضور داشتید آقای انواری که ما برای همین يك لا یحه چندین جلسه کردیم چه در کمیسیون شماره ۴ و چه در کمیسیون شماره ۵ و چقدر وقت صرف کردیم این برای چه بود؟ برای اینکه بتوانیم شمارا هدایت و راهنمایی بکنیم و بشما کمک فکری بکنیم نه اینکه بگوئیم آنوقت که کار است خارجیا بود خوب بود حالا که کار است ما افتاده بد است! چرا بنده راجع بشیلات تا حالا صحبت نمیکنم و راجع بفروش خاویار چرا صحبت نمیکنم برای اینکه مطرح نبوده حالا که شما اساسنامه شیلات را آورده اید و از بنده میخواهید رأی بگیریید نظر خودم را هم از نظر انتقادی بحث میکنم چون میخواهم بشما رأی بدهم و راههایی هم که بنظر میرسد بشما نشان بدهم والا بهیچوجه من الوجوه این موضوع باین عنوان نباید مورد بحث قرار گیرد.

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی بفرمائید.

معاون وزارت دارائی - میخواهم چند کلمه عرض کنم که بنده تصور نمیکنم اینکه گفتم که ما شعر نگفتیم که در قافیه اثر گیر بکنیم منظور آن فرمایشی بود که شما کردید بلکه میخواستم بگویم عملی که مدت قرار دادش تمام شد و دولت بعهده گرفت و در دست گرفت ما ناراضی نیستیم برای اینکه در تمام آن مدت گذشته در آمدی که ما وصول کرده ایم در شیلات فقط شش هفت میلیون بود و در مدتی که دولت عمل کرده در حدود ۱۶ میلیون تومان در آمد داشته ایم بنده بهیچوجه عرایض بآن ترتیبی که فرمودید نبود است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد برای ماده ۶ رسیده است که قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد:)

ریاست محترم مجلس سنا

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۶ که بعد از کلمه (یکی از آنان) علاوه شود (طبق

قانون تجارت (آموزگار

پیشنهاد می‌کند در ماده ۶ بجای تصویب هیأت وزیران در مورد تغییر اعضای هیأت مدیره نوشته شود " با پیشنهاد وزیر دارائی و تصویب مجمع عمومی بعمل خواهد آمد .

مهندس شریف امامی

رئیس - بکمیس - یون میروند ماده ۷ قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد :)

ماده ۷ - هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت بوده و اختیارات و وظایف آن را مجمع عمومی

تعیین خواهد نمود .

رئیس - آقای آموزگار

آموزگار - در قانون تجارت وظیفه هیأت مدیره را ماده ۶ معین کرده ولی ماده دیگری

هست که میگوید در اساسنامه میتوان وظایف یا موارد دیگری و اختیارات دیگری برای هیأت مدیره

معین کند این عبارتی که اینجا نوشته شده است که هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت بوده است

و اختیارات و وظایف او را مجمع عمومی تعیین خواهد کرد اجازه میدهد به سه نفر وزیر که هر

چه بنظرشان میآید بگویند یعنی تکلیف برای هیأت مدیره معین بکنند برای اینکه این اختیار

با قانون تجارت مخالف نباشد و دولت هم دچار زحمت نباشد بنده پیشنهاد کردم که بعد از

کلمه " وظایف آنرا " نوشته شود " با رعایت قانون تجارت " که رعایت حال دولت و قانون هر دو



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

شده باشد و پیشنهاد خود را تقدیم میکنم

رئیس - پیشنهادی از آقای آموزگار رسیده که قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد :)

مقام محترم ریاست مجلس سنا - این بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۷ بعد از کلمه " وظایف

آنرا " علاوه شود " با رعایت قانون تجارت " آموزگار

رئیس - آقای میروند بکمیس - یون ماده ۸ قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد :)

بازرسان

ماده ۸ - دو نفر بازرس برای مدت یکسال توسط مجمع عمومی از بین کارمندان عالیرتبه

دولت که دارای تجربیات و معلومات کافی در امور حسابداری و مالی باشند انتخاب میشوند و وظایف

آنرا نیز مجمع عمومی تعیین خواهد نمود بازرسان حق مداخله در امور جاری شرکت را ندارند ولی

در موارد لازم میتوانند نظر خود را به هیأت مدیره یا مجمع عمومی گزارش دهند .

رئیس - ماده ۹ قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد :)

فصل پنجم - سایر مقررات

ماده ۹ - سال مالی شرکت از اول مرداد هر سال شروع شده و آخر تیرماه سال بعد

خاتمه می یابد .

رئیس - ظاهراً نظری نیست ماده ۱۰ قرائت میشود .

(بشح زیر قرائت شد :)

ماده ۱۰ - از سود ویژه شرکت صدی ده برای تشکیل اندوخته احتیاطی تامو تعینیکه میزان وجوه اندوخته معادل سرمایه اولیه شرکت گردد برداشت میشود همچنین شرکت میتواند با تصویب مجمع عمومی در هر سال که ضرورت اقتضا نماید مقداری از سود ویژه خود را برای تکمیل مؤسسات موجود بحساب ذخیره مخصوص نگاهداری و بقیه را بین صاحبان سهام تقسیم نماید

رئیس - ظاهراً نظری نیست ماده ۱۱ قرائت میشود .

(بشح زیر قرائت شد :)

ماده ۱۱ - شرکت مجاز است برای تکمیل کار فنی و تخصصی خود طبق آئین نامه‌ای که بتصویب مجمع عمومی خواهد رسید ۱۰ نفر از کارمندان واجد شرایط از بین اعضاء شرکت و یا سایر کارمندان دولت جهت فرا گرفتن معلومات مربوط بصنعت ماهی بخارجه اعزام دارد .

رئیس - پیشنهادی از آقای دکتر بیانی است که قرائت میشود .

(بشح زیر قرائت شد :)

مقام محترم ریاست مجلس سنا - اینجانب پیشنهاد میکنم که ماده ۱۱ بقرار زیر اصلاح شود " ماده ۱۱ شرکت مجاز است برای تکمیل کار فنی و تخصصی خود طبق آئین نامه‌ای که بتصویب مجمع عمومی خواهد رسید ۵ نفر از کارمندان واجد شرایط از بین اعضاء ای دولت و سایر کارمندان دولت و ۵ نفر از فارغ التحصیلان دانشکده دامپزشکی جهت فرا گرفتن معلومات مربوط بصنعت ماهی بخارج اعزام دارد .

رئیس - میروید بکمسیون ماده ۱۲ قرائت میشود .

رئیس - میروید بکمسیون ماده ۱۲ قرائت میشود .

(بشح زیر قرائت شد :)

ماده ۱۲ - شرکت مکلف است لوازم مورد نیاز خود را در صورتیکه تهیه آن مطابق شرایط فنی و بازرگانی در داخل کشور میسر نباشد از محصول داخله تهیه نماید .

رئیس - ظاهراً نظری نیست ماده ۱۳ قرائت میشود .

(بشح زیر قرائت شد :)

ماده ۱۳ - معافیت شرکت سهامی شیلات ایران از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی تا

تاریخ تصویب این قانون تأیید میشود .

رئیس - آقای مؤید ثابتی بفرمائید .

مؤید ثابتی - اخیراً معمول شده است که هر لایحه‌ای که برای تأسیس هر بنگاه یا شرکتی یا مؤسسه‌ای می‌آورند بمجلس يك ماده‌ای هم در آنجا میگذارند که حاکی از اینست که از عوارض و حقوق گمرکی معاف باشد در این لایحه هم همین ماده را قید کرده‌اند (معاون وزارت دارایی - این برای گذشته است) چه مال گذشته وجه لوایحی که تازه می‌آورند اینکار از چند جهت عیب دارد اولاً اینکار طبیعی است که وضع دستگاه گمرک را در چگونگی اخلاص خواهد کرد دیگر اینکه عایدات و مخارج حقیقی شرکت ها معلوم نخواهد شد مثلاً

اگر ما عوارض و حقوقی را که برای این شرکت هست مثل سایر شرکت ها معلوم کنیم آنوقت من بینیم درآمد حقیقی آن شرکت چطور بوده بنده آنطوری که اطلاع پیدا کرده ام اخیراً شرکت سهامی شیلات در حدود ۱۳ میلیون تومان درآمد داشته و ده میلیون هم مخارج بوده است حالا اگر این معافیت ها را حساب کنیم و این اجناسی که وارد کرده است اگر مثل یک شرکت عادی و یک شرکت تجاری وارد میکرده آنوقت درآمد و مخارج شرکت شیلات مسلماً مساوی بوده است بنا بر این ما از آنجا بهره ای نداشته ایم اینها را که ما نمیتوانیم با قانون و با موادی یک پرده ای روی بکشیم و حقیقت امر را مستور بکنیم ما میخواهیم به بینیم که شرکت شیلات چقدر رعایتات واقعی داشته بنده در این مورد پیشنهائی تقدیم میکنم که این ماده حذف شود و شرکت سهامی شیلات مانند سایر شرکتهای تجاری و بازرگانی عوارض گمرکی روی اجناس خود بدهد .

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی بفرمائید .

معاون وزارت دارائی - نظر جناب آقای مؤید ثابتی تأمین شده برای اینکه در طرح قانونی دکتر مصدق که در شرکت شیلات عمل میکرده انجام معافیت قائل بوده است و بهمین جهت هم در جریان این مدت در ترازنامه ها معافیتی داده شده است و تراز نامه ها بسته شده در کمیسیون که این لایحه مطرح شده گفته شده که باید مالیات و عوارض گمرکی بدهند بیدیم که اسباب اشکال خواهد شد چون گذشته رانده ایم و این قانون بر میگردد باول تأسیسات بنا بر این ماده را اینطور نوشتیم که عمل گذشته را تأیید کنیم ولی از این بیعه باید بپرهیزند .

رئیس - آقای مهندس شریف امامی بفرمائید .

مهندس شریف امامی - به عقیده بنده این ماده اساساً زاید است برای اینکه اگر در گذشته مطابق یک قانونی معاف شده است از گمرک که دیگر قانون نمیخواهد و اگر قانون نداشته باشد و معاف کرده آید خلاف قانون کرده آید دیگر تأیید نمیخواهد (معاون وزارت دارائی - در مقدمه نوشته شده است آقا)

رئیس - پیشنهادی راجع به ماده ۱۳ رسید که قرائت میشود .
(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره زیر به ماده ۱۳ قانون علاوه شود - اراضی خالصه مجاور صیدگاه های فعلی شیلات شرکت شیلات واگذار میشود بدون اراضی مزبور طبق تصویبنامه هیأت وزیران تعیین خواهد گردید . دکتر سجادی

رئیس - میروند بکمیسیون ماده ۱۴ قرائت میشود .
(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۴ - شرکت سهامی شیلات برای ثبت دارائی غیر منقول خود از پرداخت هرگونه هزینه مقدماتی و حق الثبت معاف خواهد بود .

رئیس - ظاهراً نظری نیست ماده ۱۵ قرائت میشود .
(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۵ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و بازرسان حق هیچگونه معامله مستقیم و غیر مستقیم

یا شرکت ندادند.

رئیس - ظاهراً نظری نیست ماده ۱۶ قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد:)

ماده ۱۶ - وزارت دارائی و وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون میباشد.

رئیس - پیشنهادی رسیده است برای ماده ۱۶ که قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد:)

مقام محترم ریاست مجلس سنا - بنده پیشنهاد میکنم ماده ای باین اساسنامه اضافه شود.

که در مواردی که در این قانون ذکر نشده مطابق قانون تجارت عمل خواهد شد. نیکپور

رئیس - میروند بکمیسیون پیشنهادی هم از آقای حقنویس رسید که چون مربوط بمانع معینی

نبود مثل ماده الحاقی خواهد بود که قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد:)

مقام ریاست مجلس سنا - اینجانب پیشنهاد میکنم که تصریح شود صید ماهی حلال در

رودخانه ها انحصار بشرکت شیلات ندارد و مردم میتوانند در این رودخانه ها صید ماهی

کنند هم خود مصرف کنند و هم ب مردم دیگر بفروشند. حقنویس

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - میروند بکمیسیون حالا رأی بگیریم ب ورود در شورتانی آقایانی که موافقت قیام

فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. میروند بکمیسیون.

رئیس - حالا بنظر دیگر وقت گذشته است و بعضی از آقایان نظر داشتند که گزارش مربوط

به آقای ظهیرالاسلام مطرح شود ولی چون وقت نیراست لذا در جلسه آینده مطرح

میکیم جلسه آینده روز چهارشنبه در این ماه ساعت نه و نیم صبح خواهد بود و دستور -

انروز هم اول چند سوال مطرح است بعد گزارش کمیسیون شماره ۳ راجع باقای ظهیرالاسلام

بعد لایحه تفریح بودجه مجلس سنا برای سال ۱۳۳۴ و اگر وقت باشد اساسنامه بانک کشاورزی

است آقای وزیر بهداری گویا فرمایشی دارند بفرمایند.

۵ - تقاضای ارجاع بکمیسیون از طرف آقای وزیر بهداری

راجع بلا یحه پرستاران

وزیر بهداری (آقای دکتر جهانشاه صالح) - عرض کنم حضور آقایان سناتوران محترم

یک لایحه ای در دستور بود بنده شرفیاب شدم که از مقام محترم ریاست تقاضا کنم که این

لایحه از دستور خارج شده و بروند بکمیسیون مربوطه و آن لایحه مربوط به پرستاران است

چون در خلال این یکسال که این لایحه از تصویب کمیسیونها گذشته است ورود و شرایط مدرسه

پرستاری عوض شده و ضمناً یک کنفرانس بین المللی پرستاری هم اخیراً در ایران تشکیل شد و آنها

هم یک پیشنهاداتی دادند که لازم است مادر کمیسیون اینهارا مطرح کنیم بنا بر این تقاضا

میکم که این لایحه بکمیسیون برگردند (نمایندگان - مانع ندارند)

رئیس - جلسه را ختم میکنیم و همانطوری که گفته شد جلسه آینده روز چهارشنبه در این

ماه دستور هم قبلاً تعیین شده (ساعت ۱۲ جلسه ختم شد)